

پایه از صحنه ۱

هنده تنها به انجام مانور خطرناک
یاشدند محدود نمی‌گردد که
شکست آن را اسوده خیال
سازد هزمن با این مانور در
در منطقه اخیر اقدامات تازه به
تازهای در کسب و داشتن نیروهای
نظامی از جانب آمریکا و دول غربی
به این منطقه صورت گرفته و
می‌گردند.

یک روز پس از آغاز مانور
دریانی - هوانی «بیگن کومبار»
مقامات نظامی آمریکا اطلاع دادند
که پیروزی ۱۸۰۰ نفر از جنگداران
دریانی خود را به بحر عمان اعزام
خواهند داشت. این واحد چهارمین
گروه از کماندوهای آمریکایی
است که در عرض سال جاری
خبر اعزام آن به آبهای ساحلی
ایران اعلام می‌گردد.

هزمنان با آغاز مانور دریایی -
هوانی در بحر عمان پنهانگویی
مانور دیگری را منتظر کرده این
مانور از ۲۲ آبان ۵۹، تا ۳
هفته در مسیر صورت خواهد گرفت
و در آن نیروی واکش سرخ
آمریکایی و سایر شرکت سرخ
داشت. ۱۶۰۰ نفر نیروی غیرنظامی
و ۱۲ هواپیمای حمایت کننده آن -
۷ بمباران نیروهای نظامی سادات
خانی، در این مانور شرکت می-
کنند. در اهمیت این مانور که
چند روز دیگر آغاز می‌گردد
همین بس که از سال ۱۹۵۸ آمده
که نیروهای نظامی آمریکا با
انقلاب عراق به لبنان انتقال داده
شد، این اولین باری است که نقل
و انتقال نیروهای نظامی آمریکا
به خارج نزدیک در چندین مقیاس
عظیمی صورت می‌گیرد. هدف
مانور تعیین جایگاه نیروی
واکش سرخ و آمریکا به خارج
به تعداد ۱۰۰ هزار نفر با تجهیزات
لازم است. از یکم تا هشتاد و یک
از خود آمریکا در «فورت
پراگ» واقع در کسارولینای
شیالی انجام گردید. تمرینات
نظامی در این مانور «گالات فایت
۵۸» نامگذاری شده و هدف آن
ارزیابی عملیات فرماندهی، بررسی
کارهای تخلیه و بستن اعزام نیروها
و آزمایش امکانات ایمنی هواپیماها
قرار داده شده بود.

۹ موازی با آغاز مانور دریایی -
هوانی آمریکا در بحر عمان
فرماندهان فلورگان آمریکا،
انگلیس، فرانسه و استرالیا در
حوزه خلیج فارس و اقیانوس
هند، به ملاقات یکدیگر شتافتند.
تا اقدامات نظامی را هماهنگ
سازند. این ملاقات مرحله دیگری
از توپیت تشکیل نیروی مشترکی
از متحدان غربی آمریکا به منظور درگیر
ساختن همه‌دول آمریکایی در
منارزه آمریکاییسم آمریکاییه
انقلاب ایران بشمار میرود.

ششم آبانماه ۵۹ وزارت دفاع
آمریکا اخبار دیگری از اعزام
نیروهای جنگی به شمال غربی
ایرانوس هند، بحر عمان و خلیج
فارس انتشار داد. پنتاگون اعلام
داشت که سه کشتی دیگر از
ناوگان ششم خود را در مدینه‌الراه
راهنی آبهای ساحلی ایران کرده
است. جز عبور این سه کشتی
مرکب از اوشکن «پترسون» و
ناوچه «جسپرثون» به همراه ناو
هلیکوپتر ۴۰ هزار تنی «سیان»
با ۳۰۰ هلیکوپتر، ۵۰ قایق زیر
و ۱۸۰۰ پرسنل دریایی از کانال
سوئز همانروز تالیف گردید.
۱۰ آبان ۵۹ آمریکا سومین
ناو هواپیما بر خود را به اقیانوس
هند اعزام داشت. مستنکوی بوزارت

هدف امپریالیسم آمریکا...

دفاع آمریکا اظهار داشت که
علاوه بر این سه کشتی شامل ناو
هلی کویتر «سیان»، کشتی حمل
و نقل «الیاس» و کشتی تانک
پایه کن «نیوپورت» نیز از دریای
سرخ عبور کرده و راه شمال
غربی اقیانوس هند و بحر عمان
شده‌اند.

۱۴ آبان ۵۹ خبرگزاریهای
آمریکایی ضمن اعلام ورود ناو
هواپیما بر آمریکایی «رنجر» به
خلیج فارس، اعلام داشتند که
هزمنان آن، ۱۸۰۰ نفر از نیروی
دریایی آمریکا در عرصه نرسای
هلیکوپتر «سیان» به مقصد
پندر «مورس» در کنیا حرکت
کرده‌اند.

شانزدهم آبان ۵۹ صدای
آمریکایی تفسیر پیروزی ریگان در
انتخابات ریاست جمهوری، خبر
اعزام بخشی از نیروهای واکشی
سرخ آمریکا به مصر و تیبه
پاسخ دولت آمریکا در قبال
مسئله «گروگانها» را یکمان و
دریغ برنامگان تازه داده که به
وضوح نقطه نظرهای تجساروی
آمریکاییسم آمریکا را بیان می-
دارد.

بیون آنکه اخبار مربوط به
استقرار هواپیماهای «اواکس» در
عربستان سعودی، تعدید تدارکات
نظامی در جزایر «دیوگو گارسیا»،
تعدید فعالیت آمریکا و متحدان
غربی آن در پایگاههای نظامی و
کشورهای عمان، سومالی، کنیا
مصر و همچنین تدارکات نظامی
در خود آمریکا در مورد توجیه تراف
دویم و بیون در نظر گرفتن این
امر که فرانسه نیز سه کشتی
میان جمع کن و یک کشتی موشک
انداز در هفته گذشته روانه آبهای
اقیانوس هند کرده و همچنین
دیگر اخبار مربوط به تعدید
فصلیت نظامی دول غربی در منطقه
باز پوشوح می‌نماید که شتاب
آمریکا در تقویت حضور نظامی
خود در منطقه، شایع به مبنی
واقعی کلمه سرسام آور است. بر
پس از بسیار جالب است که با
هم مقامات واشنگتن ادعای
«بیطرفی» در جنگ رژیم صدام
علیه ایران را دارند و حتی خود را
«حامی» تمامیت ارضی ایران قلمداد
می‌کنند!

هم اکنون آمریکا با تمرکز
عظیمترین نیروهای نظامی دریایی -
هوانی در بحر عمان، آبهای تشور
ما و دیگر کشورهای این منطقه
را مورد تجاوز غلبی قرار داده و
کامیت ارضی ما را به بیطرف انداخته
است. مسای اینحال واشنگتن
گستاخانه ادعا دارد که از تمامیت
ارضی ایران جانبداری می‌کند.
اندون که با واقعیت تعدید
حضور نظامی آمریکا، آمریکا
متحدان غربی آن درصدد حفظ
مسواضع سیاسی اقتصادی و
نظامی خود در حوزه نفتخیز
خلیج فارس هستند. این حوزه
نه فقط ۶۰ درصد ذخایر نفتی
جهان سرمایه‌داری را در خود جا
داده، بلکه میان حلقه واسطه‌های
بین سوئز و جنوب شرقی آسیا
از مایه استراتژیک نیز برخوردار
است. از آغاز دهه ۱۹۷۰
مواضع امپریالیسم جهانی ایران
ملی کردن پی در پی صنایع نفت،
طرد تسلط انحصارات نفتی و
اعضای کارتل از مواضع فارت -
گرانه و براتان ز روسیاست
نشانه در این منطقه، رو به
شفاف گذاشت. پیروزی انقلاب
ایران موجود تحول کیفی در تاسیس
نیروها در این منطقه جهان بسود

ریگان هم مانند...

حصول پیروزی در طرد کامل
تسلط استعمار، امریکاییسم و
کارتل بین‌المللی از این منطقه
است. با چنین نتایجی، مسلما
آمریکا و نه فقط آمریکا، بلکه
همه دول امپریالیستی نمی‌توانند
با انقلاب ایران سر سازگاری
داشته باشند. سرکوب انقلاب
ضد امپریالیستی و خلقی ایران
هدف عمده امپریالیسم جهانی در
مرحله کنونی است و آمریکا و
متحدان غربی آن با شرکت در
توطئه تقویت حضور نظامی خود
در منطقه، بویژه در آبهای
سواحل جنوبی، نیل به چنین
هدفی را تعقیب می‌کنند که به
نوبه خود باید به ایجاد سلطه
پیشین امپریالیسم جهانی به این
منطقه بیانجامد.

چنانکه دیده می‌شود، امر -
یالیسم آمریکا و متحدان غربی
آن، با تقویت حضور نظامی خود
در منطقه، خطر جدی، نه فقط
برای انقلاب ایران، بلکه برای
استقلال و امنیت همه خلقهای
کشورهای این ناحیه بجاچسود
آورده‌اند. این خطر استقلال و
امنیت خلق مبارز عراق و صتارود -
را در گذشته خنق می‌نماید می-
کند. صدام خان با تجاوز نظامی
به ایران در همکاری با امر -
یالیسم آمریکا، عملا استقلال و
امنیت خلق عراق و همه نیروهای
ترقی و مبارز عرب را بر برابر
تهاجم امپریالیسم فارتکسر و
سیونیسم تجاوزکار در معرض
خطر قرار داده است. این واقعیت
و کشورهای جبهه پایدار ایرانند
الجزایر، لیبی و سوریه و چین
آزادی بخش فلسطین پسندستی
درنگ لذا بجزاز انقلاب رجموری
اسلامی ایران جانبداری و جنگ
راجزانه صدام علیه ایران را
تقیح می‌کنند.

از توجه به هدفهای امپریالیسم
جهانی، سرگردگی امپریالیسم
آمریکا، علیه انقلاب ایران باید
چنین نتیجه گرفت که، حفظ
انقلاب و تثبیت پیروزیهای آن
محتاج اتخاذ سیاستهای مراب
قلمتر و تدابیری گسترده‌تر از
آنست که تاکنون به منظور واقع
و قمع توطئه‌های گروگان ضد
انقلاب در داخل و امپریالیسم از
خارج علیه انقلاب ایران گرفته
شده است. باید دانست که برای
تأمین پیروزی در نبرد ارضی
با امپریالیسم و ضد انقلاب
و ایسته به آن در پیش داریم،
محتاج اتخاذ تصمیمات قاطع در
جهت تحکیم همکاری و اتحاد
انقلابی میان همه نیروهای سوسیالیستی
انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی
در داخل کشور و همکاریهای
همه‌جانبه و دوستی با همه کشور -
های ضد امپریالیستی، که کشور -
های سوسیالیستی در پیشانی
آنها قرار دارند، در مقیاس
جهانی هستیم.

جانلوکر که حزب ما این شمار
را تکرار کرده و می‌کند: خطر
آمریکا واقعا جدی است. انقلاب
ایران با تکیه بر نیروهای درمی
در درون و قوی ضد امپریالیسم
در جهان می‌تواند به مقابله
پیروزنده با این خطر برخیزد.
پیشروان بشیم که بویق و قیاز
آنکه امپریالیسم آمریکا، ضد
انقلاب برورده آن به توطئه دیگر
خود علیه انقلاب ما اقدام کند،
با تدابیر قاطع انقلابی برای بر
و مسو این توطئه‌ها آمادگی داشته
باشیم.

نه، این قافله را...

پایه از صحنه ۱
سنگر به سنگر با آنها چالورت.
سرانجام یک روز از آنها پرسید:
شما کیستید که چنین در کوره
انقلاب می‌سوزید و از جان خویش
بر آن حبه می‌ریزید؟
همسنگران گفتند: ما توده‌ای
هستیم...
رفیق اصغر شگفته در آنها
خبره ما به گفت: اما، اما... به
ما گفته بودند که حزب توده یک
دکسان سیاسی است... رفیق
اصغر این کلمات را از کتابی
که درباره رفیق شهید هوشنگ
تیرایی خوانده بود، بخاطر دانست.
اصغر با همسنگران تا پیروزی
انقلاب رژیم، روزهای خوبین
بسی که به شب رسید، اصغر
پاک توده‌ای تمام عیار بود. او که
همیشه می‌خندید، می‌گفت: من
یک سرباز حزب توده ایرانم.
و چنین بود. زندگی جوان و
نیرومند او در راه گسترش آرمان
حزب طبقه کارگر ایران صرف
شد. دیلم که گرفت، بیهوش
سربازی رفت. او در روز شکرزده
اعزاز خدمت می‌کرد. پنجشنبه
و جمعه‌ها که مرخص می‌آمد،
لحظه‌ای آرامش نداشت. می‌گفت:
باید در این دو روز با اندازه یک
هفته برای حزب گلر کنم.

رژیم جنایتکار صدام که به
فرمان آمریکا به خاک می‌بین
انقلابی با تجاوز کرده، رفیق اصغر
که در فراموشی کتبی می‌گفت
حزب توده ایران، فرمان حزب را
دریافت کرده بود، لطمه‌های
دیگ نکرد و به میدان کارزار
رفت. در آغاز به او وظیفه
آبادداری را سپردند. رفیق اصغر
بی‌تاب بود. لحظه‌ای آرام نداشت.
چای توده‌ای در صف اول
انقلاب است.
می‌گفت:
به ما آموخته‌اند که هستی
خود را بیکارچیه کنار انقلاب
کنیم...
بعد زمرخندی میزد و اضافه
می‌کرد:
... بی همه چیزها... حزب
توده یک دکان سیاسی است؟
رفیق اصغر آفتاب‌نوازی کرده
تا بعد از ۲۴ ساعت به سداول
بیرد منتقل شد. و این آغاز
کار بود. رفیق شهید در سنگر
نو در پی امپریالیسم آمریکا
فرید و رژیم و سرانجام چون
همه تبار خوبین توده‌ای‌ها هستی
چهارم منبرماه ۵۹ را گرمی‌مده‌ای
سوستنکرد، هنگامیکه سردار،
همراه هزمنان انقلابی سلیمان،
راه نفوذ فلتکی‌های دشمن را سد
کرده بود، خمپاره‌های قامت
پهلوانی‌اش را از هم درید و
رفیق اصغر به قافله شهیدای
توده‌ای پیوست. خون او، چون
خون شهیدای دیگر توده‌ای، به
سیلاب خستین شهیدای خلق
پیوست و اتحاد همه تیرهای
خلق را استوارتر کرد.
ما که، بناچار، بهشت‌دواری
رابطه با مناطق جنگ‌زده، اکنون
موفق به انتشار زندگنامه این
رفیق شهید شده‌ایم، یاد دیگر
خاطراتی را گرمی‌مده‌ایم و
جدید پیمان می‌کنیم که نبرد
سنگر خلق قهرمان و حزب
پرافتخار خود را تا پیروزی بر
دشمنان خلق ادامه دهیم.

پروای مقابله با تجاوز
نظامی آمریکا، تمام
خلق باید از نظر
نظامی مجهز شود

واقعیست این است که مسئله "گروگانها"، طی یکسال اخیر، به مسئله گروهبازی در اروپا و ایران و آمریکا، یعنی رابطه بین انقلاب ایران و امپریالیسم آمریکا بدل شده بود، و به همین جهت هرگونه طرح و بحث مسئله، و منجمله طرح و بحث چگونگی حل آن، با آزادی جاسوسانی که در جاسوسخانه در حال جاسوسی دستگیر شده بودند، مستقیماً به اهمیت روابط بین امپریالیسم ایران و دشمن اصلی آن، امپریالیسم آمریکا مربوط می‌شود. این امری بدیهی و ناشی از خلقت درونی تکامل روندهای اجتماع است، و به همین جهت هم، اکنون که مجلس شورای اسلامی، به دنبال رهنمودهای امام خمینی و از جانب مردم ایران، شرایط تحویل جاسوسان یا "آزادی گروگان ها" را به تمویت رسانده، خود این شرایط و خلعت ماوراء معنا و مفهومی که اینک، یکسال پس از تحویل جاسوسخانه، پیدا می‌کند و به ویژه راهی که در آینده می‌کشد و دورنمایی که در برابر روابط امپریالیسم آمریکا بازمی‌کشد، از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه مردم است. این هم‌الیا امری بدیهی است و بحث پیرامون آن و شکافتن مفهوم آن و نگارشی نسبت به سمت تکامل آن، نشانی از بیاداری و بیاداری مردم و خواست مهرانه آنها در جهت کسری ضد امپریالیسم است.

در ارزیابی شرایط چهارگانه آزادی گروگانها، انواع نظریات را می‌توان شنید. بعضی‌ها از "سرخسختی نمودانه و بی‌منطق روحانیونی که به قدرت رسیده‌اند، ولی سیاستمداری نمی‌دانند" صحبت می‌کنند. عده‌ای دیگر می‌گویند "مهران ایران پس به تسلیم داده‌اند و به پیری از این شکست طمانه و مفهومی شده‌اند."

نه تسلیم نه سازش، فرد با آمریکا

تحلیلی از شرایط چهارگانه تحویل جاسوسان آمریکایی

بیکار نیست، بلکه سرآغاز نبردی است که، طی آن، آمریکا باید به فرمان انقلاب گردن نهید و در برابر نیروی نبرد پیگیر مردم ما، که مرحله تازه‌ای از آن آغاز می‌شود، در برابر همت و هشیاری زلمندان مسلح و متممید، کلیه تصمیمات اقتصادی و مالی خود را علیه کشور و ملت ما، و ایگال نماید. شرط سوم نیز صحنه‌گر نبردی است که اکنون بین ما و دشمن اصلی ما گشوده می‌شود و اعلام آن به سازش و تسلیم، بلکه علامت آغاز هم‌وردی جدی در یکی از احساس نرسیدن منحنه‌ها به خاطر رخنه کردن سلطه اقتصادی آمریکا است. این نبرد تازه، تازه آغاز می‌شود. مبارزه با شیطان بزرگ نوین و عمیق تری می‌یابد و جهت‌های مشخص تر و ملموس تر و هدفهای مین‌تر و دقیق تر پیدا می‌کند. طبق شرط سوم هرگونه دعای آمریکا و انحصارات امپریالیستی آن، به هر صورت و به هر عنوان، از نظر اقتصادی، مالی، جزائی، حقوقی، فیزیکی علیه ایران باطل و ملغی اعلام می‌شود حتی اگر رای دادگاه‌های آمریکا علیه ما باشد، دولت آمریکا باید تسلیم کند و ما من شود که با هیچ‌کس نباید وغرامت و ضمانت احتمالی را خود بپذیرد، زیرا هر فراموشی که متصور باشد و هر خرابی که پدید آید، نتیجه سیاست و روش خود امپریالیسم آمریکا است. لژی است که باید پای آن بنشیند، زیرا خود اوست که خریزه خورده و ده‌ها سال کشور ما را چاییده و مردم ما را استعمار کرده و به استعمار گشاده‌است. اما حالا دیگر دوران آنرا که داستان لاف‌نویتن، که بالاتر از جوی آب خورد و گوشت را به گل آلود کردن آب بنجیم می‌کند، بسر رسیده، دیگر دلیل اموی، افوی دلیل نیست.

آن نتواند بود، ما باید به آمریکا بقبولانیم که، مطابق شرط اول ما، تعهد و تضمین کنه که هیچ‌گونه دخلتی، نه مستقیم و نه غیر مستقیم، چه سیاسی و چه نظامی، در امور جمهوری اسلامی ایران نکند، "از آنجا که در گذشته همواره اینگونه رفتارها کرده‌است. و این واقعیت در شرط اول گفته شده است. تحمیل این شرط خود یک همه‌بزرگ نرسد سیاسی با سرکرده امپریالیسم جهانی است. در این ماحضی از پایان مبارزه و مبارزاتی نیست. ما تازه در آغاز قبولانیدن این شرط، آنهم به نیت و در نتیجه مبارزه‌ای بی‌مان و آشتی‌ناپذیر به آمریکا هستیم. موفقیت ما چه در سر بزرگی خود می‌باشد و چه در راه‌های ملحق - خواهد طلبد!

ما باید بدیهه آمریکا بقبولانیم که تمام سرمایه‌ها و اموال و دارایی‌های ایران را، که مسدود و توقیف شده، آزاد کند.

مقتضیان ادما می‌کنند که این شرط ویژه‌ای نیست و انسداد اموال ایران توسط فرما ۲۲ آبان ۵۸ کارتر، خود دنباله و پیوستگی "گروگانگیری" بسود و بنا بر این پس از آزادی "گروگان ها"، اوستاتیک

در بررسی‌های از این ارزیابی‌ها، نگاه مقاصد خطرناک فدا انقلابی و خرابکارانه نهفته است و گناه زمینه‌چینی برای تهیه یک سرمایه سیاسی از جانب ورشکستگانی که به تسلیم سیاست سازشکارانه و نزدیکی با هکام خود با آمریکا، از مردم جدا و طرد شده‌اند، به خیال خویش، با سوء استفاده از خود غداً یکایی می‌خواهند با "چپ‌نمایی" آبروی دست و پا کنند. از آنها باید بر حذر بود، ولی چه سکه عدم اطلاع، عدم توجه به ماهیت رویدادها، ها، فریب خوردگی، ظاهر پستی، تفاوت سطحی و شتاب زده، مطلق کردن مسئله "گروگانها" و یک پستی کردن آن و غواقتب آن، علت تحلیل نادرست و ارزیابی غلطی از تصمیم مجلس شورای اسلامی ایران باشد.

به نظر ما، شرایطی که مجلس شورای اسلامی تعیین کرد (و ما تمام فرمول‌بندی دقیق آن را برای اطلاع خوانندگان و قضاوت، با وقوف به امر، در شماره ۳۶۶ نامه مردم چاپ کردیم) نه عتاد غیر عقلانی است و نه تسلیم طلبی سازشکارانه، بلکه شرایطی است که در واقع کنونی و با محتوای معقول و در عین حال مبارزه‌جویانه خود، می‌تواند در درجه اول به معنای باز کردن جبهه‌های جدید و متناسب با شرایط تازه - نبرد علیه امپریالیسم آمریکا تلقی شود.

آری، اعلام شرایط تحویل جاسوسان و پایان کار "گروگانگیری"، اعلام مناسه و تسلیم و ملاست سازش نیست بلکه شروع مرحله نوینی از رویارویی انقلاب ایران و همه مردم انقلابی و قهرمان کشور با زمامداران متممید و مشول جمهوری اسلامی ایران با امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های مکرر سیاسی و اقتصادی و نظامی و دیپلماتیک آن است.

ما باید به آمریکا بقبولانیم و برای تحمیل کنیم که اموال شاه، ملطون، مال مردم ایران است و حق ما است که آن را پس بگیریم. شاه ملطون نوکر بی‌چون و چرای آمریکا و شریک غارت‌ها و سرکشی‌های آن بود و هر چه ما کشیده‌ایم از آمریکا و دست‌شیریک و همدست و عامل او شاه بوده‌است. و هر چه شاه ملطون و خانواده و متفوق او از ایران به بی‌عقوبت برده‌اند، مال مردم ایران است. ما باید بر نفس نبردی هشیارانه و بی‌بگیر به آمریکا تحمیل کنیم و بقبولانیم که اموال نوکرش مال او نیست، مال ما است. پس هر اقدام دولت ایران را، در این زمینه آمریکا باید نماند بشرد و به رسمیت بشناسد. بر این اساس، جمهوری آمریکا باید مجبور شود که حکم صادر کند که آن اموال را شناسایی و توقیف کند و اقدامات لازم حقوقی برای انتقال آنها به ایران به عمل آید، همه اینها در شرط چهارم مجلس شورا گنجا شده‌است. برای آمریکا ممکن است تحمل این شرط هم، مثل سایر شروط، سخت باشد، ولی مگر برای ملت ما سخت نبوده که نیم قرن زیر دغیر اسارت این شاه‌نوازه‌نگین به سر برده؟ مگر برای ما سخت نیست که ناظر به بار دغیرش مال مردم درمید املی همه غارت‌ها و فشاها باقیم؟ در این مورد هم در برابر ما نبردی قرار دارد و نیاز و فریج، که به نیت‌های مردم و با دقت کار دانی مسئولان امور، که در برابر مردم و انقلاب متعهدند، باید در آن نیز سر دشمن خود تاقق کنیم.



نبردی که باید همانند نبرد با آنها برخورد کرد، یعنی برای مصاف آماده شد و تدارک دید و در هر جا استراتژی و تاکتیک نبرد را، تا تحمیل شرایط بردشمن و پیروزی در نبرد فراهم ساخت. باید پشت جبهه را بسج کرد، یعنی به توده مردم تکیه کرد، حق آنها را به کرسی بشاند، بزرگ مالکی را ناسود کرد، سرمایه‌داری را درهم شکست، پایگاه درونی دشمن را نابود کرد. از سوزی دیگر باید روی این نکته تکیه کرد که همه این شرایط به حق و معقول است و ما دوران ما و نیاز انقلاب و دنیای کنونی کاملاً منطبق است و ابدان نشانی از عتاد در خود ندارد.

(۱) و خود به خود تلقی می‌شود، در حالی که این چنین نیست. در اینجا یک صحنه مبارزه اقتصادی جدی در برابر ما گشوده می‌شود، که باید با تمام آمریکا رادر آنجا مجبور به تسلیم و عقب‌نشینی کنیم. در آن بین المللی فقط از زبان رسانه‌های گروهبان، از میلیاردر دلار سپرده مستقیم برای صحبت میکنند و حاضر نیستند درباره ۸ میلیارد دیگر بلوکه شده حرفی بزنند. اعلام این شرط، خاتمه مبارزه دشمنانه سازشکاری نیست، ما تازه باید به نیروی مبارزه‌ای بی‌مان و جدی، این پشه‌ها را زکوش‌اتان به درآوریم و به آمریکا تحمیل کنیم، که نه فقط همه سرمایه‌ها و اموال و دارایی بلوکه و توقیف شده ما را آزاد کند، بلکه ایران، همان‌طور که در شرط دوم مجلس گفته شده، باید بتواند به هر کیفیتی که خواهد از آن استفاده کند، امپریالیسم آمریکا را وادار کردن که به تحمیلات خود پایان دهد و دیگر اونیباشد که کیفیت استفاده از اموال را به ما تحمیل کند، کار کوچکی نیست، کاری است که فقط نتیجه یک مبارزه بی‌بگیر و هشیارانه می‌تواند باشد. به مردم ما و زمامداران ما است که در این مبارزه شرط دوم را به تمام و کمال بر آمریکا تحمیل کنند.

ما باید به آمریکا بقبولانیم که از این پس دوران ترک تازی‌های اقتصادی او به سر آمده و بساط غارت گذشته برای همیشه برچیده شده‌است. شرط سوم نیز ابداً برای یک انقلابی صادق به معنای تمام شدن

در برابر انقلاب ما، با این چهار شرط، چهار محته نبرد وسیع و مهم علیه امپریالیسم آمریکا گشوده می‌شود، که ما باید خود را برای شرکت در آن و مقابله با آمریکا و دشمن آن از نظر سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و حقوقی کاملاً آماده کنیم و شیطان بزرگ را در یکایک این مرصه‌ها شکست دهیم.

به نظر ما، صحبت بر سر این نیست که طبق یک توافق قبلی و "ساخت و پاخت پنجاهی" - آنچنان که ادعایش، به ویژه از جانب محافظ ساخت و پاخت کن و سابقه‌دار در توافقی، شنیده می‌شود - بنا بر روی در حال اجراء است. ایران که هرگز آمریکا را سه طایفه کرده بود، طبق این ادعا، چهار شرط را بر سر سفره نقد به کوشش می‌تواند طرف هم، بعد از کسی اتمام و نیاز، به سر می‌گیرد و دولت قدیمی، که به ظاهر از هم جدا شده بود، دوباره برقرار می‌گردد و زوزانو روزی از نو، با هم از همان آن خواهد بود و گاه همان گاه، منتشی نرده و با کش و قوسهایی، این ادعا، به نظر ما، داستان خوابشتر است و نتیجه‌دانه.

برعکس، به نظر ما، صحبت از این است که در مصاف عتدای که ایران انقلابی با امپریالیسم آمریکا دارد، اینک چهار شرط به میان آورده شده، که برای به کوشش نشاندن آنها، برای قبولانیدن آنها به طرف و برای عملی ساختن یکایک آنها، در تمام جزئیاتش، باید رزمید، با جنگ و دندان و هم رزمید و بیبه یکساری و توطئه‌ها و خرابکاری‌ها هم محرومیت‌ها کشیده‌ها و سالوسها و تزویرها رابه تن مالید. ما در آغاز یک نبرد تازه برای تحمیل شرایط تسلیم، مجلس شورای اسلامی ایران - شرایط معقولی را - به شما پندگی از طرف مردم ایران - عرضه داشته و اینک به مردم ما ز ایران و سر مسئولان امر و زمامداران کشور است که آمریکا را تا گزیر کنند که تسلیم این شرایط شود و با قبول آنها متحمل شکست تازه‌ای از انقلاب ایران گردد.

قبول این شرایط برای امپریالیسم همار و جهانوار، مکار و غدار آمریکا گارانتی نیست، او به راحتی تسلیم نخواهد شد، ما باید قدرتمند - ترین دولت امپریالیستی را در برابر انقلاب بزرگ خلقی برخاسته، به زانو در آوریم. این خود مرحله نوینی از تعمیق انقلاب ایران در عمده‌ترین وجوه

جدید نبرد تسلیم شود، ما باید آمریکا را واداریم تا در این مرحله طلب کنیم.

پس شرایط تحویل جاسوسان ایذا به معنای سازش و تسلیم نیست، البته یک حکومت سازشکاری عده‌ای را ساختن یا حتی با طرفدار همکاری با آمریکا، و توافق با اادما و استگی میثوا تسلیم آزادی "گروگانها" را به کام از راه دسراسر تسلیم و سازش بدل سازند و در جوی دخلتی آن را دستاویز بدو و بیستایی غیر اصولی قرار دهند و به بیسای استقلال و آزادی با دشمن اصلی کنایه بپند و جمهوری اسلامی ایران را از محتمل انقلابی و ضد امپریالیستی خلقی آن تهی سازند، ولی این چنین وضعی در کشور ما موجود نیست. برعکس، و با علل و اسباب چنین سارشی بر اثر نبرد یک ساله اخیر، که "گروگانگیری" علامت آغاز آن و تعمیق انقلاب بود، به میزان زیادی از زمین برده شده‌است. طبقات و قشرهای اجتماعی که می‌توانستند و می‌توانند مجری و عامل چنان سیاست و روشی گردند، به میزان قابل ملاحظه‌ای از میان‌های اصلی کشور داری رانده شده، و با در حال رانده شدن هستند و بیش از پیش، از میان خلق طرد و منزوی شده و می‌شوند. به علاوه، سیاستهای توطئه‌گرانه و تها و زگرانه آمریکا و روشهای غدارانه و

قانون کار باید همه کارگران را به یکسان دربرگیرد

حقوق کارمندی، غارت دسترنج زحمتکشان است

می خریدیم، که گرانتر تمام می شد. البته پس از تحریم اقتصادی آمریکا، این مواد زنگنه‌های اروپایی شرقی مانند لیستان وارد می شود. کارفرما از رفتن ما داخل کارگاه جلوگیری کرد و پیرامون ما هیچ ماشینی نداشت. البته کارگران را دیدیم، که اکثرا ایستاده مشغول بکار بودند. یکی از کارگران نیز در این مورد گفت: «اینهمه ایستادن سرها، باعث پها درد شدیدی و آرتروز پش پا می شود.» کارفرما پس از اینکه می فهمد کارگاه کوچک با دو کارگر بدون حضور او، صحبت کرده ایم، اظهار ناراضگی و ناراحتی می کند. او بالاخره راغسی می شود که با یکی از کارگران در حضور

شرایط کار و پرداخت حقوق کارگران در بسیاری از کارگاهها کمی کوچک و بزرگ هنوز صورت کارمندی است. و این وسیله ایست که کارفرماها هر چه بیشتر دسترنج زحمتکشان را بیفارت می برند. ما و رسانی میبزنیم. بسیاری از کارگاههایی است که حقوق کارگران آن بصورت کارمندی پرداخت می شود. این کارگاه دریا را چه "قوام دفتر" در میدان حنیف نژاد تهران قرار دارد. مساحت آن دوست متر است و با اینکه کارگری که در آنجا مشغول بکار هستند، برای آگاهی از مشکلات کارگران با تنی چند از آنها گفتگویی نشنیدیم. جنب کارگاه بزرگتر سما و رسانی کارگاه مشغول است و دو نفر از کارگران در آن مشغول کار هستند. در اطراف

کارگران می گویند: نهاد چون دولت درگیر جنگ با ابرق است، از او هیچ پولی نداریم

خود صحبت کنیم. این کارگر محمد علی نام دارد و شش سال است در اینجا کار می کند. محمد علی می گوید: "روزی که کار با شد، حدود صد تومان کار می کنم. دوازدهم دارم و جز حقوقی که بصورت کارمندی هست، مزایای دیگری نداریم. نه حق اولاد، نه حق خوار و روبای روفیره، وضع این مستخدمان با هر چه و مرجع است چون سندی نداریم تا به حقوق ما رسیدگی کند. ما وضعیت رسمی نداریم. کارفرما هر وقت بخواد، می تواند ما را اخراج کند و یا با سه کار هم هیچ پولی ندهد. هیچ مرخصی رسمی نداریم. اگر کار کنیم، مزد هست، و اگر حتی به حال برگ درخت خشک و آب خورده باشیم، بیکار می ماند. ما به ما تعلق نمی گیرد. روزانه ما ساعت کار می کنیم، برای اینکه لاف پول کرایه خانه را درآوریم."

سایل کار قرار دارند و این دو نفر بدنه سما و رسانی کار می کنند. با کارگری گفتگویی کنیم که چهار ده سال است در اینجا کار می کند. وی می گوید: "بصورت کارمندی کار می کنم، هر سال وری را که بدنه سما را بکار می آورند و ولوله و بقیه قسمتهای آنرا آماده کنیم. سی و پنج ریال با بابت آن دریافت می کنیم. روزها می که کار با شد، حدوده ساعت کاری کم و دو بیست و پنجاه تومان در ماه دارم. اما بسیاری از روزها کار ریتیم و یا به علت گرفتاری و بیماری سرکار حاضر نمی شوم. پس از چهار ده سال کار، حتی بیکاری با بابت روزهای مرخصی نمی گیرم. همیشه جمعی هستم، ولی نایدهای ندارد. همیشه برای هر دوی یک قرص کچی به ما می دهند. سوگنا خانه هم به ما نمانده است. با اینکه سما و رسانی سوفا و وان برای کارفرما دارد. با دیدن ما کار فرمدهند که می دهند. از حق اولاد و غیره هم چیزی ندارند. حتی شرکت تعاونی نداریم و مجبوریم برخی کلیوسیم. بیست تومان زانیم. هر ماه همیشه چند روز بیکار هستیم. کنار این سوره تا بستانها کار کرده خیلی سخت است. کارگر دیگری که دو سال است در اینجا کار می کند، صحبتهای همکارش را ناخودکامی می افزاید: "کارمان سخت است. دو دانشا دور گلوبان را می سوزاند. با زحمت کمی هم نداریم. لاف پول این دوستم بیمه اجتماعی هست، ولی من اصلا بیمه نمی شوم."

کارگران بخوبی موقعیت دولت را درک می کنند و در باره مسائل از دولت چه انتظاری دارند. میگویند: "دولت کارگری را به عراق است. البته خود عراق مسئلهای نیست، ولی آمریکا به او کمک می کند. فعلا چون دولت کارگری را به عراق است از او حقوقی نداریم. خودمان هم حاضریم. هر وقت تمام دستور بدهند، به جبهه جنگ با عراق برویم. ولی چون دولت انتظار دارد پس از خانه جنگ به وضع ما رسیدگی کند. مثلا همین کاری که انجام می دهیم، برای هر سال وری ما به ما بدهد. ولی سی و پنج ریال می دهد. اگر ما اعتراض کنیم، سما را اخراج می کند، در حالی که اگر دولت برای کار ما قانون وضع کند، تا همین شغلی خواهیم داشت. شما کارگری اجناسی هم مشکل بزرگی است و امیدواریم دولت این مسئله را حل کند." پس از این گفتگو با یکی از کارفرماها در مورد وضع کار صحبت می-کنیم. وی می گوید: "مواد اولیه ای که ما برای سما و رسانی نیاز داریم، برخی کارخوبو، کارتن، سربو، برق است. قبل از تحریم اقتصادی ایران از طرف آمریکا، مقداری از این مواد، مثل برق از آمریکا، اینتلی، ژاپن و آفریقا وارد می شد. ولی پس از تحریم این کشورها برای اینکه نژاد ربا بستان آمریکا خوشی خدمتی کنند، بورود این مواد را قطع کردند و ما بطور غیر مستقیم از کوییت

دروغ بو کارگران قهرمان شرکت صنایع دریائی استان بوشهر

شرکت صنایع دریائی بوشهر، با حدود ۲۶۰ نفر کارگر، عمده ترین شرکت تولیدی استان بوشهر است. این شرکت، با پیروزی انقلاب صد امپریالیستی و خلفی مردم ایران، از دست آمریکا فبهای قاصد و لنگر بیرون آمد و به دست مردم ایران، این صاحب واقعی و اصلی شرکت، قرار گرفت. آمریکا فبهای را بر سر بستند، اما نوکران و پادای ذاعلیشان هر چه توانائی داشتند به کار بستند. تا بسویله موائلشان از ملی شدن شرکت جلوگیری به عمل آورند شرکت را به تعطیل بکشاند. ولی مبارزات پیگیر مردم ایران در جهت تضمین انقلاب تحت رهبری ما و جنبشهای طرف، و کوششهای خستگی ناپذیر کارگران این شرکت تحت نظر شورای اسلامی کارگران صنایع دریائی از طرف دیگر، امدهای این نوکران اجنبی را به پایاس مبدل گردانید و اکنون شرکت در اختیار و دولت نسبت از انقلاب است. با انتخاب معرفی یک نفر به عنوان مدیر عامل جهت اداره شرکت، با همکاری شورای اسلامی کارگران، شرکت از خطر تعطیل رهاش پانصد است. شورا و کارگران فعالانه با مدیر عامل همکاری می کنند و دستمزد جمعی در جهت افزایش تولید و با آوری بیشتر می کنند.

کارگران، که سالها در زیر سلطه استعمارگران آمریکایی بسر برده اند و یوغ سرمایه داران غیانتکار آمریکایی را بر پوست و گوشت خود حین می کنند می گویند: "ما اگر خود و خانواده و زندگی مان را هم از دست بدهیم، حاضر نیستیم با ردیگزنجبر بردگی آمریکایی جهان خوار و ابدی بریم. ما اگر شب و روز با نان و چای سرکنیم، بالاخره دست آمریکایی خون آشام را از میهن کوتاه خواهیم کرد. کارگران از جنگ عادلانه مردم ایران علیه تجاوزات مدا میزید، این دستیار امپریالیسم آمریکا، پشتیبانی میکنند. از همان روز اول تمام دولت مزدور یعنی عراق آما دگی خود را برای جانباوری و دفاع از میهن انقلابی به مسئولین امور اعلام داشته اند. کارگران تاکید می کنند که باید دست متجاوزین از میهن عزیز ما کوتاه کرد و ما بالاخره مدا امر سراجا می خواهم بنماند. کارگران صنایع دریائی از همان روز نخست حمله هوایی رژیم مزدور و فاشی صدام حسین، با مراجعه به بسیج مستضعفین تعدادی اسلحه جهت پاسداری و حفاظت شرکت تحویل گرفتند و تاکنون شب و روز از سنگر خود پاسداری می کنند. کارگران بجای ۱۲ ساعت، در مواقع اضطراری، ۲۴ ساعت هم کار میکنند. کارگران اعلام میدارند که ما تمام وقت در اختیار مسئولین جهت انجام کارهای ضروری خواهیم بود. کارگران با اینکه حدود دو ماه است حقوقی دریافت نکرده اند، از آغاز جنگ تاکنون بیش از هر زمان دیگر اکیبهای مختلفی تشکیل داده اند و زیر آتش توپخانه دست نشاندهاگان شیطان بزرگ آمریکا، جهت تعمیرات به آوار خارک و بندر عباس فرستاده اند. بازده کار و فعالیت کارگران در مدت یکماه اخیر قابل تقدیر و ستایش است. با توجه به عدم پرداخت دوماه حقوق کارگران، همین کارگرانی که تا دیروز در برابر آمریکا فبهای جهان خوار بودند کشتی و کلاه دست به کار نمی زدند، امروز برای تحکیم رژیم جمهوری اسلامی، بدون کشتی و کلاه لوازم ایمنی دوبرابر کار میکنند و تمام هم و غم کارگران و شوروی اسلامی منتخب آنها این روزها مصرف همکاری و همیاری بسا برادران ارتشی و پاسدار و توده های غیر نظامی استان است. کارگران میگویند: "غریبه ناشی به ظلمت را کارگران زده اند و جهت کوتاه کردن دست آمریکا جنا بیکار و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کماکان کارگران بیشتر خواهند بود."

کارخانه های آجری کاشانی: کوره های فقر در قلب کویر داغ و شن زار!

کارخانه آجری "نوی" دارای دوازده کوره دستی است و تعداد سی کارگر در آجاری می کنند. آجر در پای کوره هزاری به هزار ریال و پای کار هزاری سه هزار و سیصد ریال به فرونی میرسد. مزد کارگر قالب بره هزاری سیصد ریال است. با یکی از کارگران این کارخانه به گفتگو نشستیم. دا و کارگر دستکار کوره برخانه اهل مشهد است و چهار سال است که در تاشان کار می کند. از وضع او چنین شدیم: "داود سری تکان داد و گفت: فقط هر وقت کارکنم مزد می گیرم و هیچ چیز ندارم. از تعطیلی مرخصی، بیمه و تعاونی خبری نیست. اگر ده دقیقه دیرتر سرکار حاضر شوم منتهی با دوازده میزند و از مزد کم میشود و با اگر چند روزی مرخص شوم و بخوابم، نه تنها مخارج دکتر و دارو بیمه خودم است، بلکه از پرداخت مزد هم محروم می شوم. همین چند روز پیش مرخص شدم و به سه بیما ریستان شهر مراجعه کردم. دکتر شنهای میمدا و گفت باید تقویت کنی. آخر گفتم آن حقوقی که ما بتوانیم خود را تقویت کنیم، غذای گرم بخوریم؟ اگر بخوایم خود را تقویت کنیم، آخر هفته دیگر چیزی برایمان نمی ماند. غذای ما اغلب آبگوشت و یا کتلت است." درباره وضع مسکن او پرسیدیم: "گفت: زمستان علاوه بر سردی هوا، آب باران از درود پوار آتاقسان می ریزد و تمام زندگیمان را بسیم می زند. داود در مورد بیمه گفت: "هر وقت صحبتی از بیمه می شود، ارباب میگوید: اگر میخواهی بیمه

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

حق این انسانهای شریف ضایع خود. انقلاب کوچه نشینان است نه کاخ نشینان. بجای آنکه مسئولین جمهوری ایلامی ایران به فکر اول و ارثان واقعی انقلاب باشند و نگذارند بیش از این حق این انسانهای شریف ضایع خود.

اخبار هفتالی

شر مالک را از سر ما کوتاه کنید!

روستای برج ۱۶ کیلومتری جنوب "شازند" اراک واقع است. روستا حدود ۵۰۰ نفر جمعیت دارد. (۸۰ خانوار که ۱۵ خانوار آن خوش-نشین هستند.)

بزرگ مالک روستای برج، که در روستاهای اطراف نیز اراضی وسیعی دارد، در منطقه صاحب نفوذ زیادی است. یکی از اعضای شورای ده برج می‌گفت:

"عزت الله خان بیش از ۲۰ هزارهکتار زمین دارد. که بعد از انقلاب به تکاپو افتاد و قوری مقداری از زمین‌هایش را به دهقانان فروخت. او فقط در ده ما از ۲۶ جفت زمین، ۱۲ جفت از بهترین زمینها را برای خود نگهداشت و ۲۴ جفت آنرا به اهالی فروخت و بابت هر جفت زمین ۴۵۰۰ تومان از اهالی گرفته است. عزت‌الله خان باغ وسیعی دارد که پر تنوبرق و لوله کشی و دیگر تاسیسات در آن ایجاد کرده است."

اهالی روستای برج به حق انتظار دارند که هر چه زودتر هفت هفت نفری تقسیم زمین به این سلفه رسیدگی کند.

یکی دیگر از مشکلات اهالی، بل چوبی است که روی رودخانه واقع است و روستایا به علت طغیان رودخانه، رفت و آمد اهالی را مختل می‌کند. از دیگر مشکلات روستائیان نبودن تراکتور است. آنها انتظار دارند که در این زمینه از طریق مقامات مسئول و بویژه از سوی جهاد سازندگی به آنها کمک شود.

روستای برج، همانند دیگر روستاهای این منطقه، فاقد حمام بهداشتی و دیگر امکانات رفاهی، از جمله درمانگاه و... است. یکی از روستائیان می‌گوید:

"حمام ما اصلا قابل استفاده نیست و از دوره احمدشاه باقی مانده است."

وی سپس ادامه می‌دهد: "برق نیز سرخشی" حدود ۵ کیلومتری ما، آمده، ولی ما برق نداریم. ولی دهقانان در این شرایط دشوار جنگ تحمیلی آمریکا، همه این محرومیتها را تحمل کرده و خواهند کرد و همه قوای خود را برای کمک به جبهه بسیج می‌کنند. بنی الله، عضو بزرگ شورای ده، از مشکلات ده چنین می‌گوید:

"سال پیش برف زیاد بارید و امسال محصول زیاد داشتیم. حتی بعضی ها اصلا چیزی نتوانستند برداشت کنند. ما می‌خواهیم که دولت وام، بذر و دیگر وسائل مورد نیازمان را در اختیارمان بگذارد."

وجود ۲۰ هزارهکتار زمین‌ناشنه می‌باشد و عدالتی و ظلم و ستم و افری است که سال‌های سال بر دهقانان زحمتکش بی‌زمین و کم‌زمین رفته است. نشانه‌ای است برای این بزرگ مالک ستمگسال‌های متعادی شیوه‌جان این دهقانان را گذشته است. نشانه‌ای است از محرومیت بی‌حد و بی‌پایان این دهقانان است. لیکن می‌بینیم که چگونه این دهقانان محروم از همه چیز، بخاطر حفظ حرمت و انقلاب بزرگان در برابر بزرگان و دایگی و خارجی، و هم‌اینک در برابر تجار و رژیم صدام حسین، کبکی از حلقه‌های توطئه آمریکاست، قذع کرده‌اند و در نقاطی که مورد تهاجم قرار گرفته، تا آخرین قطره خونشان را نثار کرده‌اند. پس امراجرای قانون اصلاحات ارضی را باید عاجل و فوری بدانیم. هفت هفت‌هزار باید بموتان یک وظیفه خطیر و بدون درنگ به اجرای این امر همت گمارد. باید در محو محرومیتها از روستا بکوشیم، و همچنان که روستائیان خود می‌گویند و به حق هم می‌گویند باید برای کارشان تراکتور، بذر، کود و دیگر وسائل و نیز امکانات رفاهی را مهیا ساخت.

پیام به مردم روستائین زاگرس دلاوران غرب کشور!

پاسداران کبیر کوه، دهقانان صیمره و خرم آباد، رزم آوران دیلور، گردان پشتکوه و کومان‌شاهان!

های شما در مراتع سبز خواهند چرید و شما در زمینهای متملق بغودتان سرگرم کار پرشکوه و پر پرکت خود خواهید شد. فراموش نکنید که زندگی نیکتره بار، میوه تلخ حاکمیت امپریالیسم شار تگر جهانی، پسر کردگی آمریکا، و رژیم فاسد و وابسته به آن است. از یاد نبرید ظلمی که به شما از طرف نوکران ایرانی استعمارگران، از شاه ملعون و دولت او گرفته، تا فئودالها و خانها شده، گاهی به مراتب از هجوم اقوام خارجی سهمگین‌تر بوده است. امروز که انقلاب ایران سلطنت منحوس شاه ملعون را از میان برداشته است و بر پیکر واپستگان به اولسزه انداخته، پیاخیزید تا چلو هجوم آمریکا و صدام حسین را نیز بگیریم. زاگرس، ای سرزمین دلاوران شکست‌ناپذیر، ای دژ پاسدار استقلال ایران و سپه انقلابیون حق طلب!

به همت فرزندان دلیر خود در مقابل هجوم آمریکای جهانخوار مقاومت کن! جلوی تجاوز صدام خائن را بگیر! کوهستانها، تنگها و گردنه‌ها را به سنگهای شکست‌ناپذیر تبدیل کن! از انقلاب ایران و از آینده روشن کشور و خانواده‌ات با تمام وجود، با تمام نیرو پاسداری کن!

ای زنان دلاور مناطق زاگرس! ای زنان و دختران کوهپایه نشین! در دهکده‌ها و زیر سیاه چادرها، هر کجا هستید، آهنگ نبرد را ساز کنید! با قدرت و با پانگ بلند بگوئید که شما نیز آمریکای جهانخوار را شکست خواهید داد. چنانکه مردم ویتنام شکست دادند. شما بر صدام‌های خبیث پیروز خواهید شد، چنانکه بر آریامهر ملعون چیره شدید.

مردم روستائین زاگرس، پاسداران دلیر کوهستانها، دلاوران غرب کشور!

شما پیروز خواهید شد، زیرا حق یا شمامت. متحد باشیم، با همه وسائل و امکانات، هر یک در سنگر خود و مطابق با مقدرات خود بر رژیم، تا پیروز شویم. جمهوری اسلامی ایران را تحکیم کنیم و انقلاب را به پیش ببریم. تنگ و نثرت بر صدام حسین و بر آمریکای جهانخوار!

سپاه پاسداران را عملی کنید. با هر وسیله‌ای که در دست دارید، به پاسداران انقلابی و ارتشیان دلیر کمک کنید. به ستاد بسیج مراجعه کنید و همه امکانات خود را در اختیار آن بگذارید و از سرتاع و مزارع، از دامها و احشام، از خانه و کاشانه خود دفاع کنید. تا روزی که آخرین سرباز صدام ایران را ترک کند، بیچنگیده، درستگی و در محل کار، تا پیروز شوید. فقط پیروزی بر آمریکا و همه توطئه‌های



نظامی و سیاسی و اقتصادی است که میتواند انقلاب ایران را استوار نگاهدارد و آنرا به شکوفائی برساند و نظامی مردمی برقرار کند، تا مردم "غرب کشور" نیز، مانند همه ایرانیان، برادر و برابر زندگی کنند و همه، از شهری و روستایی، از شرایطی که در شان یک انسان و شایسته جامعه انقلابی است، برخوردار شوند.

از یاد نبرید که پس از محو آثار تجاوز صدام حسین و پیروزی بر آمریکا، کودکان شما نیز به مدرسه خواهند رفت، خانواده‌های شما از رفاه و زندگی بهتری در روستا برخوردار خواهند شد، دام-

گوش کنید! شما عشایر و دهقانان قهرمان، در خط نخستین جبهه قرار گرفته‌اید. آمریکای جهانخوار، به کمک مزدوران عراقی خود مانند صدام حسین، وطن شما را مورد حمله قرار داده است. چشم امید مردم انقلابی ما و جمهوری اسلامی ایران بشما دوخته شده. پیروزی میهن انقلابی ما در جنگ تعمیلی کنونی، پیروزی شمامت، و پیروزی شما، پیروزی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. بگذارید حتی یک وجب از سرزمین شما در دست آمریکای جهانخوار بماند. بگذارید حتی یک حبه محصول، یا یک بزغاله به دست مزدوران صدام بیفتد. مردم سراسر ایران، از شهری گرفته تا روستایی، کارگران، پیشه‌وران، همه زحمتکشان در کنار شما قرار دارند. مردم فدائکار و ازجان گذشته شهرهای خوزستان و در پیشاپیش آنها کارگران قهرمان خوزستان، پاسداران انقلابی حماسه آفرین، و سربازان و درجه داران و افسران وطن دوست ایران در کنار شما هستند.

بگوئید تا وارث شایسته ایجاد خود باشید، که طی قرن‌ها از مرز و بوم خود دفاع کرده‌اند. شما هم از سرزمین اجدادی خود، از میهن انقلابی خود نگهبانی کنید. تنگها و گردنه‌ها را به گورستان دشمن تبدیل کنید، همانگونه که کارگران و زحمتکشان شهرهای خوزستان کوه‌ها و -یا با آنها را به قتلگاه دشمن بدل کرده‌اند. شما اکنون مدافع انقلاب در اولین سنگر هستید. و ایران انقلابی پاور و پشتیبان شمامت. درست است که هنوز از انقلاب بی‌بهره چندان، از نظر مطالبات حقه‌ای که شما دارید، نصیبتان نشده است، ولی از یاد نبرید که در این مدت انقلاب ما دشواریهای پیشمار در برابر خود داشته و با اینحال توانسته است زمین ظلم و فساد استبداد را در هم شکند و بدور ریزد و زنجیر اسارت و پیره کشی امپریالیست‌ها را، که برده‌ای و پای ما بوده، پاره کند؛ توانسته است زمینه مساعدی برای ساختن زندگی بهتر و ایرانی آزاد و ایرانی آباد فراهم آورد. برای همین است که آمریکای جهانخوار، با هر وسیله‌ای که در دست دارد از داخل و خارج، به ایران انقلابی می‌تازد. این بار آمریکا به یاری دستیار خود صدام حسین به ایران تجاوز کرده است. پس هوشیار باشید! در بسیج مستضعفین شرکت کنید. فرامین

پیام مادر شهید قهرمان عسکر دانش شریعت پناهی

مادر شهید قهرمان، عسکری دانش شریعت پناهی، و همجنس خواهران و برادران رفیق شهید، پیامی برای دوستان، همزمان و رفقای عسکر فرستاده‌اند، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد.

شایان ذکر است که مادر رفیق شهید عسکر، انگشتر خود را، بعنوان کفک، به حزب تقدیم کرده و نوشته است:

«بسم عسکر در دامان حزب توده ایران پرورش یافت و قهرمان شد. این هدیه کوچک را، که با دلاگری، شجاعت، به حزب بزرگش تقدیم می‌کنم».

ملاده براین، در مجلس یادبود خاوندکی به ماست شهید رفیق عسکر، خویشان، رفقا و دوستان وی، مبلغ ۱۶۰۰۰۰ ریال برای کمک به حزب تقدیم کرده‌اند.

بود و شهید شد.

هم اکنون هزاران و دهها هزار جوانان این آب و خاک، که همه دختران و پسران ما، در خوزستان علیه شیطان بزرگ آمریکا و نوکران آن می‌جنگند. آمریکای جنایتکار و مدام - مدام های خیانتکار بدانند که اگر بدن همه فرزندان ما با گلوله و خمپاره باره باره کنند، خود به برافشان خواهیم رفت. و چون من سارند در ایران.

بله دختران، پسران، خواهران و برادران ما گریه نکنید که امروز روز گریستن و مزا گرفتن نیست. دشمن غداری تصمیم به درهم شکستن

پیام خواهران و برادران شهید قهرمان عسکری دانش شریعت پناهی

باری بی سنگین بار - دوش ما گذاشت. این وظیفه دشوار و این بار سنگین عبارت است از آمادگی برای مبارزه تا پای جان در حفظ تاز دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران علیه امپریالیسم غدار، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران آن در منطقه، چون مدام - جنایتکار و همه مدام -

پیام برای ماتنیا

یک برادر نبود، او یک همزیم مضم و یک رفیق وفادار بود.

عسکر شهید، متعلق به خانواده‌ای نبود، متعلق به توده‌های رزمنده ایران بود، متعلق به خلق بود. عسکر قهرمان از عهده بزرگترین آزمایشهای عمر خود، که همان ایثار جان پاک در راه‌های رزمگشایی است، باسکی بلندی برآمد. ولی وظیفه‌ای بس دشوار و

مادر شهید قهرمان، عسکری دانش شریعت پناهی، در پیام خود می‌گوید:

«درود بفرهیز و بزرگان امام خمینی دوستان، همزمان و رفقای عسکر گریه نکنید. سوگواری نکنید. شما باید سنگر عسکرا بر کنید.

منهم گریه نمی‌کنم و حاضرم برای دفاع از وطن عزیزم، و انقلاب و جمهوری اسلامی برهنی امام خمینی، در سنگر بر شهادت با ایتم.

بسم شجاع بود و در راه وطن و جمهوری اسلامی ایران شهید شد. من که کاری نکرده‌ام، فقط یک پسر، که او هم متعلق به همه مردم انقلابی ایران بود، تقدیم انقلاب کرده‌ام.

حضرت زینب به اسارت درآمد، ولی راه برادرش را ادامه داد. ما نیز باید راه برادران و فرزندان عسکر و باغرف خودمان را ادامه دهیم. باید چون زینب مبارزه کنیم. نامشایانها و بریدهای زمان، یعنی آمریکا، جنایتکار و نوکرانش چون مدام را برزاق در آوریم. جدم حسین، سید شهادت، برای پیروزی حق بر باطل مبارزه کرد و شهید شد و پسرش هم راه جدش را

بله، مرگ فرزند دردناک است. ولی من ناراحت نیستم، زیرا عسکر تنها پسر من نبود. او متعلق به همه مردم بود. من افتخار می‌کنم که پسر عسکر فرزندان خلق بود، مبارز

اقدامات مردمی دولت زیمپاپوه برای توده‌های مستعبد شده

دولت زیمپاپوه، بر آوردن نیازهای توده محروم و مستعبد را از اولویت برنامه خود در راه بنای یک زیمپاپوه آزاد و مستقل، جدا کرد. دهاتان محروم و مستعبد زیمپاپوه از سخنان و ابروی گاوهای نخست‌وزیر کفورو، شبی بر مسافره زیمپاپوه بزرگ سفید پوست و تقسیم این زیمپاپوه در میان دهاتان بزمین و کز زمین شدنی استیصال کردند.

در هر سخنان موزایه، کارشناسان اقتصادی دولت اعلام کردند که مشکل زمین در حال حاضر یکی از حادترین مسائلی است که باید بدون تاخیر حل شود. رژیم شد خلقی و استعماری است - موزروا تلاش داشت که آفریقائیان را از زمینهای حاصلخیز محروم کند حکام استیصال زیمپاپوه، چهار میلیون سیاهپوست تنها ۱۰ میلیون هکتار زمین کشاورزی در اختیار داشته‌اند. در صورتی که چند هزار مالک سفید پوست، پنج میلیون هکتار زمین را پیشرفته غصب کرده بودند و خون کشاورزان محروم و زخمگین را می‌سکندند.

کک‌های سازمان حزب توده ایران در تهران

سازمان کک‌های حزب توده ایران - شهرستانان قزوین به مناطق جنگ زده کشور و رزمندگان جان برکف انقلاب، روز ۲۱ مهرماه، مقداد ۱۳۵۰ کیلوگرم قند، که از سوی حزب توده ایران - سازمان شهرستان قزوین جمع آوری شده بود، به ستاد جمع آوری اوراق در قزوین تحویل شد.

ته تسلیم

بقیه از صفحه ۳

حمله گرانه آن نیز در این یک سال بسی فاش شده و انقلاب جادویمه، ترین وجه خود سوجه ضد امپریالیستی - تصمیم می‌یافته است.

همه اینها مروهون امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است که با درایت و وقایع‌تاریخ راه را بر هرگونه سازش غیر اصولی بستند، در همین اینکه در موضع بحق و معقول ایستادند.

همه اینها مروهون خلق قهرمان ما است که بسا بیداری و هشجاری و استواری، با ستانند و آگاهی انقلابی، دشمن اصلی و اعمی، شیطان بزرگ، آمریکا را می‌شناسد و دشمنی ارشده کن با سخن تسلط و نفوذ او از همین انقلابی جانبا زانه بیگار می‌کنند.

همه اینها مروهون نیروهای آگاه انقلابی است که به پیروی از خط امام و با تکیه به نیسیستی و لایزال خلق، برای تحقق اهداف فدائیمبرنیالیستی و مردمی انقلاب مبارزه می‌کنند.

همه اینها از جمله مروهون اقدام انقلابی و جورانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام است، که با عمل قهرمانانه، افشای سازشخانه آمریکا مشابه جاسوخانه و مرکز کجروالی و تعیین سبب و تعیین گیرندگان در باره کشور ما مردم بودند، با نتایجی تاریخی رهبر انقلاب تا قوس برترین مرحله دوم انقلاب را همدا درآوردند، آنها عمیق ترین جنبه انقلاب ما را، که جنبه نبرد با ظلم استیصال و علیه سلطه امپریالیستی در تمام ابعاد آن بودید روز ترین وجهی منجلی ساخته‌اند، تقاضای جا همه ما را شکافتند و انرا در معرض مشارکت آگاهانه توده‌های مردم قرار دادند، آنها میلیونها تن را بسیاری دادند که در حل این تضاد عمده، جامعه ما نقش تاریخی ساز خوش را ایفا کنند، بیپوده نیست و بیجا نیست که گمانی، تسخیر جاسوخانه و «گروگانگیری» از زبانی می‌کنند.

همه اینها کجای است از اهمیت بیکران «گروگانگیری» و درمناهی اصلی آن، رابطه انقلاب ایران با امپریالیسم آمریکا می‌کند. اگر این رابطه را تنها در «گروگانگیری» خلاصه کنیم و نبرد خود را با آمریکا

تنها در حفظ یا مجازات ۵۲ نفر جاسوس بدانیم و در نتیجه تمام توطئه‌ها و دشمنی‌های آمریکا را بسا ایران بر سر گروگانها، به حساب آوریم، بشدت اشتباه کرده‌ایم. همانطور که آمریکا نه «گروگانها» بلکه ایران را میخواهد و دنبال آزادی آنها نیست بلکه دنبال سرکوبی مسیح و ناسودنی انقلاب ایران است ما نیز «گروگانها» آظهاری از سیاست نسو استعماری آمریکا و گروگانگیری از مرحله‌ای از نبرد اساسی و خلقی خود با امپریالیسم آمریکا می‌دانیم، نبردی که ایجاد و جنبه‌ها و وجوه بسیار دارد و ابتدا و اولاد در سفته‌جا سوسا خلاصه نمی‌شود، روند «آزادی گروگانها» با تحویل سوسا، با تحویل این شرایط آگاهانه به دشمن، می‌تواند دوبار در مرحله تازه‌ای از این نبرد آغاز کرد با شناسه‌های عمیق ترومولوس تری از ترا بیسر روی صحنه آورد، انرژی بیشتر توده مردم را بسیج کند و هشجاری و تدبیر بیشتر رعمای کشور را طلب نماید. خلاصه به تعمیم انقلاب بیجا مد.

وظیفه ما است که جلوی شایعه پراکنی‌ها و تبلیغات دشمنانه، فدای انقلاب و موال لیبیرال و سازشکار را، که با اقتضای موقع، نقاب «چپ‌نما» می‌زند، بگرییم و توجه کنیم که شرایط چهارگانه موهبه مجلس شورای اسلامی برای انقلاب ما زمینه جدید و عمیق نبردی همه‌جانبه با امپریالیسم آمریکا را فراهم می‌آورد. آمریکا را با بدبا مبارزه، با پایا، لغتاری، با هشجاری، با سیاست درست، با اتحاد و یکارگرفتن همه امکانات، در برابر این شرایط واداره تسلیم کرد.

حجت‌الاسلام خا منهای نماینده امام در شورای عالی دفاع، امام جمعه تهران و نماینده مجلس، گفته است:

«آیا کوشش برای حل مسئله گروگانها بسبب دشمنی یا تغییراتی سیاست دولت جمهوری اسلامی است؟ اگر آری در مقابل با آمریکا است؟ جواب اینست: نه!»

این جواب قاطع، راه درست و برداشت درست را از شرایط پیشبینی‌های نشان میدهد. باز هم حجت‌الاسلام خا منهای ادامه میدهد:

«مادنیانه این خط و حرکت را ادامه می‌دهیم... باز هم با آمریکا می‌جنگیم، زیرا آمریکا ظالم و مستکبر و جها نخوار است، زیرا با اسلام و استقلال ملت ما و همه ملت‌های مستضعف مخالف است، زیرا از نیروی مادی خود استفاده می‌کند تا فریاد حق طلبانه

در جهان سوسیالیسم

در سه دهه گذشته درآمد ملی کشورهای شورای همیاری اقتصادی ۳۰٪ درصد افزایش یافت

در سه دهه اخیر درآمد ملی کشورهای شورای همیاری اقتصادی ۳۰٪ درصد افزایش یافته است.

جدول زیر رشد درآمد برخی از این کشورها را در این مدت نشان میدهد:

بلغارستان	۸/۱ برابر
جمهوری دیمکراتیک آلمان	۶/۲
نولستان	۲/۶
رومانی	۲/۸
اتحاد شوروی	۵/۲
مجارستان	۲/۰
چکسلواکی	۲/۷

در جهان سرمایه‌داری

رکورد جدید بیکاری در کشورهای جامعه اقتصادی اروپا

بوجب گزارش، که چند روز پیش از سوی «اداره آمار جامعه اقتصادی اروپا» انتشار یافت، بیکاری در اواسط تابستان ۱۳۵۹، در کشورهای نم‌گانه «جامه» به رکورد ۶/۷ میلیون نفر رسید. بدین ترتیب ۶/۱ درصد جمعیت فعال «جامه» اقتصادی اروپا بیکار هستند. بیکاره شایه در سال پیش ۵/۴ درصد بود.

جدول زیر افزایش بیکاری را در برخی از کشورهای جامعه اقتصادی اروپا نشان میدهد.

کشور	افزایش بیکاری (درصد)
بلژیک	۱۸/۴
بریتانیا	۱۴/۲
لوگزامبورگ	۱۳/۰
هلند	۱۱/۱
جمهوری فدرال آلمان	۹/۲

ملت‌ها را در گلویشان بشکند و خفه کند، و چون این چنین است، ما با آمریکا مبارزه می‌کنیم.

این سخنان نشان با رزم مسئولیت و شهیدان انقلابی است که به پیروی از خطی بیدار و قهرمان به جلومرود خود می‌نهدند و صحنه‌ها و صحنه‌ها و صحنه‌ها را انتخاب می‌کنند و اینک سران دارنده در صحنه نبرد شرایط چهارگانه در گلویشان «گروگانها» آظهاری از سیاست نسو و شرایط را تحویل کنند، و گرنه باز هم آمریکا هست که مفتضح و رسوا می‌کند و خود را مکی و تاجا و زکا ریش برلا میگرداند و «گروگانها» بش همرا، با تمام سیاست و گذشته تنگنیش، به محاکمه کشیده میشود.

به همین علت و با همین برداشت است که به خلق بیدار و آگاه ما، در روز ۲۲ آبان ۵۹، بر تهمیم مجلس میراث فیدینها دو یکصد نفری کرد.

«ای ملت ایران، برپا برپا، با سلسله‌های نیروی آمریکا!»

ما با دشمن صدها انقلاب خود، خلق خود و همین خود، مبارزه‌ای طولانی در پیش داریم، تا اینکه تمام که به پیروی از خطی و نهایی را بر او تحویل کنیم و شکست نا پذیر خود را به او تحویل کنیم. ما بر توطئه خود با رتجا و زدما حسیس با خلق خواهیم آند و آرا هم ما ندانیم که ساریتقه‌های توطئه گرانه آمریکا در هم خود می‌بستد. ما با بدبا بسیج تمام نیروها و امکانات خود، با سپهر گوری از تمام امکانات و مقدرات، که انرژی خلاصه مردم را به حرکت وادار و سیل بنیان کن خدا میریالیستی را تقویت بخند.

در عرصه جدید نبرد، یعنی تحویل شرایط چهارگانه، همه دست‌اندر کاران ما، یعنی رتج و بیفرخ روهاری با امپریالیسم آمریکا، پیروز شویم. همانگونه که حجت‌الاسلام موسوی خویینیها ۱۳ آبان ۵۹، در سالروز اقدام قهرمانانه و انقلابی گروگانگیری و تسخیر جاسوخانه و فریاد روز تمویب شرایط چهارگانه توسط مجلس شورای اسلامی، گفت:

«شاید آن روز که شما مردم برآ آمریکا بیفتد و شما دیدگری جای این شما را بر کند. بداندیندهاید که آمریکا دشمن اصلی و شایه یک ما است.»

ما آن خلق بیدار و آگاهانه نبرد با این سیاست رهبری، انقلاب ما در رابطه خود با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خویش، مسلما تعصیب خواهد یافت، به پیش‌خواهد رفت و به پیروزی‌های بیشتری - منجمله در عرصه شرایط چهارگانه - دست خواهد یافت. وظیفه ما است که در این جهت حرکت و عمل کنیم.

آیت‌الله دکتر بهشتی:

امپریالیسم از دست زدن به هیچ جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد

موضوع گیری خصمانه امپریالیسم جهانی علیه انقلاب ما ریشه‌های عمیقی دارد

دکتر بهشتی رئیس دیوانعالی کشور در مسأله مطروحه متفکر خود که دیروز برگزار شد تاکید کرد که امپریالیسم از دست زدن به هیچ جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد.

در ابتدای مسأله دکتر بهشتی در پاسخ خبرنگاری که نذر وی را درباره سروشوت جنگ پرسید گفت: پیش‌کش ملت قهرمان و با ایمان ما و مردم زیر سلطه و تحت‌تسلط سرزمین عراق در این ماه با حماه والاتری به‌یروشان با رژیم بعث عراق ادامه خواهد داد و توانشان در برابر ما در این رژیم تحمیلی افزونتر خواهد بود.

امیدواریم این افزایش توانها آثار مشهود خودش را نشان دهد.

وی در پاسخ سئوالی درباره برابری همه افراد امر از مسئولین مردم عادی در برابر قانون گفت: طبیعی است که یکی از انتظارات اساسی از جمهوری اسلامی ایران اینست که دستگاه قضائی دستگاهی باشد دقیق و مدافع حق، با نگرشی یکسان برای همه بنظر من شریک انسانی رسیدن به این آرمان داشتن سیستم قضائی بهتر از آنچه امروز داریم و بخصوص تلاش برای آشناتر شدن و سرد کردن همه مردم ما به یک چنین فرهنگ اجتماعی و قضائی است که همه بتوانند به آسانی و بدون این برخورد یکسان حقیرستانه را درک کنند و بپذیرند.

در پاسخ سئوال دیگری درباره سروشوت گروگانها و محاکمه آنها دکتر بهشتی گفت:

تا مسأله از نظر سیاسی دقیقا تکلیفی روشن نشود نمی‌توان محاکمه‌ای را آغاز کرد. بنابراین لازم است مجلس دقیقا نتیجه کارهای خود را به اطلاع شوراهای قضائی برساند تا در صورتیکه راه حل پیشنهادی نمایندگان مردم برآستی بهتر نرسیده باشد و مجلس مصمم باشد که آنها محاکمه شوند از نظر قضائی اقدام شود.

دکتر بهشتی در پاسخ سئوال دیگری مربوط به اقدامات قضائی برای تعیین سرپرستی‌های جدید رادیو تلویزیون گفت: بهرحال لازم بوده‌است. یک مقام مسئول برای پایداری آنجا که در صورتیکه تصمیمی اتخاذ کند، اتخاذ چنین تصمیمی تا آنجا که به حقوق اشخاص مربوط می‌شود، در چنین حالتی، در صلاحیت دادستان است. از آنجا که حفظ اموال و حقوق بدون تعیین مدیریت میسر نبوده دادستان به تعیین مدیر اقدام کرده است.

در پاسخ سئوال خبرنگار دیگری که پرسید آیا حل مسأله گروگانها در سروشوت جنگ‌اندازی خواهد داشت آیت‌الله بهشتی پاسخ داد: فکر نمی‌کنم اگر چنانچه داشته باشد، برای اینکه وضعی گری خصمانه امپریالیسم جهانی بر ضد انقلاب اسلامی ایران ریشه‌های عمیقی دارد. موفقیت این انقلاب بهرحال نتایج آنها را در منطقه مترازم می‌کند و معادلات سیاسی و اقتصادی را برهم می‌زند. طبیعی است که...

خود ابا ندارد جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد

است که در این رابطه به دستگیران آرام‌خواهد نشست و نه مستمعان. خبرنگار دیگری پرسید آیا فکر نمی‌کنید امپریالیستها به بهانه افزایش نفت در اثر جنگ تحمیلی عراق به ایران به کشور ما حمله کنند؟ دکتر بهشتی پاسخ داد: امپریالیسم از دست زدن به هیچ جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد ولی صرفا افزایش بهای نفت بعید است انگیزه آنها برای جنایتی تازه شود.

خبرنگاری پرسید: دادستان تهران اعلام کرده که آقای قلیزاده تحت فشار لیبیا آزاد شده است و همچنین آقای قنوسی در مسأله تلویزیون خود گفته‌اند که شاید ما مجبوریم روی مسأله‌ای که نمی‌توانیم مطرح کنیم ایشان را خیلی زود هم آزاد کنیم. بیان این مطلب از جانب مقامات مسئول ضایع یا بگونه‌ای اعتراض به دخالت امور سیاسی در مسأله قضائی نیست؟ وی پاسخ داد: این مطلب از جانب مقامات مسئول ضایع یا بگونه‌ای اعتراض به دخالت امور سیاسی در مسأله قضائی نیست؟ وی پاسخ داد: طبیعی است که با چنین اعتراضی است و از دید من غیر قابل قبول. زیرا آقای قلیزاده امرای ادای توضیحاتی به دادستانی انقلاب تهران احضار شده بودند و پس از ادای توضیحات مقام قضائی باید تصمیم بگیرد که در جریان این قضایا آزاد کند. بدون کفیل یا با کفیل یا احتیاطا بازداشت کند و برای مردم نیز توضیح دهد. از نظر من تصرف عدوی است که در جریان آقای قلیزاده، در رابطه با مسئولین قضائی، به چشم می‌خورد اینست که چرا بلافاصله با توضیح کفیل ملت قهرمان مارا در جریان این بازداشت نگذاشته‌اند. به هر حال قندوس هم عرض کرده‌ام که اگر ایشان تشخیص داده‌اند که باید آقای قلیزاده بازداشت شوند، لازم بود همان روز جمعه جریان را با ذکر دلایل کافی با اطلاع ملت رسانند و بهرحال تصمیم‌گیری مقامات قضائی بر اساس فشار امرای است نامتناهی با استقلال و امانی که باید دستگاه قضائی داشته باشد و استقامتی که باید قضای در برابر جریانها از خود نشان دهد. گمان می‌کنم اگر مطلب همانطور باشد که می‌گویند این گزاره اتهام‌نگری فوری به‌دانه اطلاعات لازم به ملت قهرمان ایران است.

خبرنگار دیگری سئوال کرد: مسأله‌ای که اخیرا پیش آمده برای جریان دستگیری قلیزاده و با تعیین سرپرست برای رادیو تلویزیون، آیا شما اصل آن به اصطلاح بنظرهای که تشکیل شده خارج از یک جریان حساب شده در این شرایط جنگی برای انحراف انقلاب می‌دانید؟ آیا اینها را یک برنامه حساب شده در رابطه با ستون پنجم نمی‌دانید؟ دکتر بهشتی در پاسخ گفت: ما همیشه باستاند مبارک موجود در رادیو تلویزیون گزارشی کرده‌اند اینست که بعضی نواز این منظره در برنامه پیش‌بینی شده روز پنجشنبه بوده است. طبیعی است که بعضی آن مسئولان تکلیف نشده و برای من همین مسأله سئوال انگیز است...

دکتر بهشتی در پایان این مسأله و در پاسخ به سئوال دوم در وضع مردم در زمستان از نظر مواد غذایی و غیره اظهار داشت: مردم دنیا با چنین سختی‌هایی در جریان جنگ‌هایی که ملتها برای حفظ استقلال و آزمان خود تحمل می‌کنند آشنا نیستند. تاریخ نمونه‌های متعددی از این مسأله را نشان داده‌است. در همین سی سال اخیر در اروپا و این وضع برای ملت‌های آلمان، یوگسلاوی، روسیه پیش آمده. آیا ملت‌های زنده جز استقامت هرچه نامت در این راه، راه شرافتمندانه دیگری می‌توانند داشته باشند؟

ارتش متجاوز...

گروه بزرگی از مردم از عراق به دجله داشتن متشاه ایرانی، که هر بار بتواند فشار بر ایران وارد استقامت رژیم ناپسند و سنگین سندان قرار گرفت، و با مسئله مبادله اسیران جنگ و غیره، که باید حل شوند.

مجموعه این مسائل بیایستی مورد مذاکره قرار بگیرند و عادلانه بر مبنای حقوق موازین بین‌المللی، یکبار برای همیشه حل شوند و اجرای تالیف حاصله از مذاکرات تعیین گردد.

ملا دارو هسته سندان، ضمن گرفتن قیافه مسلح‌طلب، بسته جنگ چنایک‌کارانه خود خورده علیه خلق و کشور ما ادامه میدهد و بنابراین وظیفه عمده ما، در کنار کوشش سیاسی برای راندن مهاجم به درون مرزهای خودی، راندن آن با فشار کوبنده نظامی است. از گفته‌های فرمانده کل نیرو-های مسلح، دبیر شورای عالی دفاع و دیگر مقامات مسئول چنین بر می‌آید که این فشار کوبنده نظامی روز بروز بیشتر میشود و زمینه تسخیر قطعی دشمن متجاوز فراهم میگردد.

باید اطمینان داشت که نیرو-های مسلح نظامی و غیر نظامی و خلق قهرمان، با تفکار و ایثارگر ما در این جنگ عادلانه، پسر ارتش متجاوز رژیم متجاوز کس سندان قطعا بیروز خواهد شد و عراق به ناچار برای حل مسائل مورد اختلاف با جمهوری اسلامی ایران، خواه ناخواه در پشت نیز مذاکرات خواهد نشست.

ملاوه عراق باید متشبه شود که دیگر مانند گذشته در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران مداخله نخواهد کرد، به عمد انقلاب در گروستان و در هیچ جای دیگر ایران کمک نخواهد کرد و نیز به ضد انقلاب گریخته از ایران، در خاک عراق میدان فعالیت نخواهد داد. مسأله نیش جهت تعیین مسئله آزاد ایرانیان، عقیم عراق و راندن غیر انسانی

رزمندگان انقلاب دلیرانه متجاوزین صدامی را زیر حمله خود گرفته‌اند

جنایتکاران رژیم صدام حسین همچنان مناطق مسکونی آبادان را زیر آتش گراز میدهند

مردم فیروز و از جان گذشته، پاسداران شجاع و شامه و نیرو-های مسلح جمهوری اسلامی ایران، همچنان دلیرانه با متجاوزین صدامی به نبرد ادامه میدهند. یک مقام در واحد اطلاعات و اخبار ستاد سپاه پاسداران اهواز در گفتگویی اظهار داشت در منطقه «دو حرات» در اثنای اجرای دقیق آتش توپخانه‌ای جمهوری اسلامی ایران تلفات و خسارات سنگینی به متجاوزان زورور بعثی وارد آمد. طبق این اطلاعات و خسارات وارده به نیروهای متجاوز دشمن، انهدام ۵ دستگاه تانک، ۳ دستگاه خودرو، یک دستگاه نفربر و ۱۱ کشته زخمی بوده است. متجاوزین عراقی نیز همچنان با وحشیگری شهر اهواز را با شلیک توپهای زورور خود زیر آتش قرار داده است.

به گزارش دفتر مرکزی خبر نیروهای متجاوز عراق زیر حمله شدید دلایران ایران با بهجا گذاشتن عده زیادی کشته و زخمی در حال عقب‌نشینی از آبادان است. بموجب همین گزارش سنگرها و مواضع قوای دشمن در اطراف رودخانه بهشتی تقریبا نابود شده است.

در محور جاده آبادان-سالمش نیروهای زورور عراقی چندین کیلومتر با آبادان فاصله دارند و رزمندگان جمهوری اسلامی ایران آنها را زیر آتش شدید قرار میدهند. متزوران سندان سهندی (دوشین) اطراف خسروآباد در بیست کیلومتری جنوب آبادان و کوی ذوالفقاری و قبرستان نو این شهر را هدف آتش توپخانه زورور خود قرار دادند که در نتیجه ۶ تن از پرسنل رسیدن شهروانی آبادان کشته و مجروح شدند.

کارکنان و منزل و نصب آلتان و اجرای موبایلت شورایی سرپرستی تهیه برنامه است مودبیت قرار گرفت، این ماه نیز مورد تصویب قرار گرفت. آنگاه ماده ۹ که به مسئولیت مدیرعامل در برابری شورای سرپرستی و مسئولیت شورای سرپرستی در برابر قوای سه‌گانه اختصاص داده، مطرح شد.

ماده ۹ پس از آنکه تغییر کرد که به دنبال بحث نمایندگان در آن داده شده، به تصویب رسیده است. ۱۰ اختصاص به مسئولیت شورای سرپرستی در برابر مجلس و حق استیضاح آنان توسط مجلس داشت. این ماده نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت. رای‌گیری در مورد این ماده به جلسه امروز موکول شد.

رئیس مجلس در پایان جلسه دیروز اعلام کرد که محصلی وجائی نخست‌وزیر در جلسه امروز مجلس به چند سئوال نمایندگانی پاسخ خواهد داد و وزیر جدید آموزش و پرورش، دکتر جواد پاشی را، رسماً به مجلس معرفی خواهد کرد.

در جلسه علنی دیروز مجلس:

امپریالیسم آمریکا وارث همه جباران تاریخ است

آمریکا می‌خواهد مسئله گروگانها را معوق بگذارد

آن جباران در برابر دارد، وی همچنین افزود: آمریکا می‌خواهد ما را دست‌بندازد و مسئله گروگانها را باز معوق بگذارد تا برای محاسبات اقتصادی و سرمایه‌داری و سرمایه‌داری زدن به جمهوری اسلامی ما، بهانه‌ای داشته باشد، اما ما در این نبرد ایستادیم. او می‌خواهد سلاح آمریکایی‌ها را به ما بفرشد تا در ریشکستگی اقتصادی‌اش راتا جدی قریب کند، ولی ما با جانمان می‌جنگیم و با جنگمان، ناطق‌الزور؛ ما اعلام می‌داریم که خسومت ما غلبه آمریکا همیشه است، همچنانکه نور با ظلمت همواره می‌جنگد.

پس از پایان سخنان پیش‌از دستور، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ضمن سخنانی اظهار داشت:

در جلسه علنی دیروز مجلس:

امپریالیسم آمریکا وارث همه جباران تاریخ است

آمریکا می‌خواهد مسئله گروگانها را معوق بگذارد

آن جباران در برابر دارد، وی همچنین افزود: آمریکا می‌خواهد ما را دست‌بندازد و مسئله گروگانها را باز معوق بگذارد تا برای محاسبات اقتصادی و سرمایه‌داری و سرمایه‌داری زدن به جمهوری اسلامی ما، بهانه‌ای داشته باشد، اما ما در این نبرد ایستادیم. او می‌خواهد سلاح آمریکایی‌ها را به ما بفرشد تا در ریشکستگی اقتصادی‌اش راتا جدی قریب کند، ولی ما با جانمان می‌جنگیم و با جنگمان، ناطق‌الزور؛ ما اعلام می‌داریم که خسومت ما غلبه آمریکا همیشه است، همچنانکه نور با ظلمت همواره می‌جنگد.

پس از پایان سخنان پیش‌از دستور، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ضمن سخنانی اظهار داشت:

کارکنان و منزل و نصب آلتان و اجرای موبایلت شورایی سرپرستی تهیه برنامه است مودبیت قرار گرفت، این ماه نیز مورد تصویب قرار گرفت. آنگاه ماده ۹ که به مسئولیت مدیرعامل در برابری شورای سرپرستی و مسئولیت شورای سرپرستی در برابر قوای سه‌گانه اختصاص داده، مطرح شد.

ماده ۹ پس از آنکه تغییر کرد که به دنبال بحث نمایندگان در آن داده شده، به تصویب رسیده است. ۱۰ اختصاص به مسئولیت شورای سرپرستی در برابر مجلس و حق استیضاح آنان توسط مجلس داشت. این ماده نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت. رای‌گیری در مورد این ماده به جلسه امروز موکول شد.

رئیس مجلس در پایان جلسه دیروز اعلام کرد که محصلی وجائی نخست‌وزیر در جلسه امروز مجلس به چند سئوال نمایندگانی پاسخ خواهد داد و وزیر جدید آموزش و پرورش، دکتر جواد پاشی را، رسماً به مجلس معرفی خواهد کرد.

لیبرالیسم را بشناسیم، و در دامش نیفتیم

لیبرالیسم، گرچه از لحاظ لغوی از واژه «لیبر» (آزاد) و «ایرته» (آزادی) مشتق گشته است، ولی در دوران کنونی رشد جامعه بشری، یک جریان ایدئولوژیک و سیاسی است، که میگوید میان انقلاب و ضدانقلاب بیود ضدانقلاب سازش ایجاد کند و انقلاب را به شکست واکامی بکشاند.

لیبرالها همیشه منسوب به طبقات ضدانقلابی هستند که انقلاب لزوم الهی آنها را بشناخته طبقه مطرح کرده است. منسوبان به این طبقات معمولاً بدو قسمت مجزا میشوند: قسمتی بطور صریح و بی پرده مواضع ضدانقلابی طبقه محکوم به فحای خود را اعلام می کنند، و علیه انقلاب در جبهه ای آشکار به مقابله می پردازند، که اینها لیبرال نیستند، ضدانقلاب آشکارند، ولی قسمت دیگر منسوبان به این طبقات که چهره لیبرال بخود میگیرند، یا قصد محدود ساختن انقلاب در چارچوب منافع این طبقات و منحرف کردن انقلاب از راه خود و کشاندن انقلاب به فترت، داخل صفوف انقلاب میشوند و یا در کنار صفوف انقلاب میبنویسند، ولی در حقیقت هم ضدانقلابی ها، که بی پرده و از خارج به مقابله علیه انقلاب بر می خیزند و هم لیبرالها که قنای «انقلاب» بر روی خود میزنند و میکوشند با رخنه در داخل صفوف انقلاب باقی بمانند، علیه انقلاب و منافع آن، کارهای را به ناکامی برسانند، علیرغم فرق ظاهری، هر دو یک هدف مشترک را تعقیب می کنند: یکی تفنگ در دست در سنگر نشسته و علیه انقلاب می جنگد و دیگری به مثابه ستون پنجم روی در داخل صفوف انقلاب عمل می کند. لذا اگر بگوییم لیبرالیسم ضدانقلابی است، که بمنظور بریدن سر انقلاب یا نمد، لبایم «انقلاب» بتن کرده اند و یا اگر لیبرالها را ستون پنجم ضدانقلاب در داخل انقلاب و یا در حساسی که آن بنامیه، حرفی خلاف علم و خلاقیت ننگته ایم.

اکثر پرچمداران سیاسی لیبرالها معمولاً کسانی هستند که خود از میان طبقات محکوم بزوال برخاسته اند، ولی در جنبش های انقلابی یا شمارهای خود شرکت کرده اند. لکن بعداً، هنگامیکه شدت و حدت تضادهای اجتماعی، شمارهای نیمه کاره سازشکارانه آنها را پهن زده و شمارهای عمیق انقلابی و پیگیر را در داخل جنبش مطرح کرده، آنان اکثراً با گراه و گاهی به طبع خاطر این شمارها را گردن نهاده اند و از جنبش جدا شده اند. البته، نه بمنظور دست کشیدن از شمارهای خود، بلکه باید اینکه در مراحل بعدی بتوانند در داخل جنبش شمارهای اولیه خود را برجسته تر تحصیل کنند و انقلاب را در مسیری که خود میخواهند بسوی قهقرا و شکست سوق دهند.

لیبرالها، بدلی که اشاره شده، معمولاً از امکانات فعالیت فراوان برخوردارند. اگر انقلاب علیه اقتدار اقتصادی اجتماعی طبقات برجای محکوم بزوال با تقابلیت عمل نکند و از این طریق پایگاه اجتماعی لیبرالها را در هم نکوبد، لیبرالها با استفاده از امکانات وسیع همین

طبقات، می توانند در دستکامها و دستکامها و نهادهای حکومتی بعد از انقلاب رسوخ کنند و حتی مواضع بسیار حساس حکومت انقلابی را بدست خود بگیرند و برای اجرای سیاست همان طبقات ارجحی محکوم بزوال از این دستکامها و نهادها حداکثر استفاده را ببرند.

یکی از عمده ترین سلباتی که لیبرالها سراسر دنیا از آن علیه انقلاب استفاده کرده اند، سلاح مفرق داری از آزادی بوده است. طبقه مرتجع محکوم بزوال، که قبل از پیروزی انقلاب، توسط حکومت خود، دیکتاتوری خود را مستقر کرده و هرگونه آزادی را خفه کرده بود، پس از پیروزی انقلاب، توسط ستون پنجم خود، یعنی لیبرالها علیه انقلاب شعار «آزادی» را مطرح میسازد، البته، آزادی نه برای انقلاب و نیروهای انقلابی - زیرا که اینان انقلاب کرده اند و دیکتاتوری طبقات مرتجع محکوم به زوال را سرنگون کرده اند و برای خود آزادی کسب نموده اند، آزادی نه برای خلق - زیرا که اینان در سایه انقلاب از اسارت دیکتاتوری طبقات مرتجع محکوم بزوال نجات یافته اند و آزادی خود را بدست آورده اند، آن «آزادی» که لیبرالها پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی دیکتاتوری طبقات مرتجع محکوم بزوال مطرح می کنند، آزادی برای همین طبقات و نمایندگان آنها و حامیان آنهاست، که انقلاب دست و پای آنها را بسته است. فریاد لیبرالها از فقدان آزادی پس از پیروزی انقلاب، از آنجا بلند است که آنها می طلبند که برای استمرار مجدد حاکمیت طبقات مرتجع محکوم بزوال، به آنها امکان هرگونه فعالیت داده شود و حتی حکومت انقلابی مطابق رهنمودهای آنان رفتار کند.

تمام آنچه را که در بالا درباره لیبرالیسم و لیبرالها بطور کلی گفتیم، لایسی است که تمام و کمال به تفه لیبرالها ایران دوخته شده، و اما در ایران فضای اصلی و واقعی بر سر راه رشد آینده

ایران و سیر تکاملی انقلاب ایران است. مردم ما با انقلاب شکوهمند خود راه رشد سرمایه داری را رد کرده اند، ولی لیبرالها که نمایندگان سرمایه داری هستند، با چنگ و دندان از راه رشد سرمایه داری دفاع میکنند. تاریخ کشور ما راه رشد غیر سرمایه داری رفت و طریق استقلال و آزادی واقعی را در پیش گرفت، ولی لیبرالها گاهی بسراحت و گاهی بزبان بی زبانی میگویند: ۱- باید راه رشد سرمایه داری را ادامه داد و ۲- باید به همکاری با سرمایه داری جهانی - با تندبالی - ادامه داد.

چرا راه رشد سرمایه داری - پیشباید لیبرال - مخالف مصالح مردم ایرانست؟ زیرا: کشوری که از راه رشد سرمایه داری پرود، حتماً و در درای اراده خود و طبق قوانین اجتناب ناپذیر شیوه تولید سرمایه داری

داخل سیستم تقسیم کار بین المللی سرمایه داری خواهد شد و به وابستگی کشوری بزرگ امریالیستی و در نوبت اول آمریکا در خواهد آمد. این وابستگی بتدریج به درجه یک هیپوندی عمیق و همه جانبه با امریالیسم در خواهد آمد و این کشور چون مگس عاجز در تار عنکبوت خون آشام امپریالیستی امریالیستی گرفتار خواهد شد. یعنی ایران انقلابی ماه، اگر از راه رشد سرمایه داری پرود، باز بدام امریالیسم و سرمایه داران «وطنی» وابسته با امریالیسم خواهد افتاد و بساط آریاسپری با رنگ و روغن دیگری باز دیگر در کشور ما گسترده خواهد شد. یعنی خون ۷۰ هزار شهید بهیروز خواهد رفت و همه رسته ها بنیه خواهد شد. یعنی ایران بازم به مسورت یک مشت کتختن و میلیونها محروم کتختن باقی خواهد ماند.

اگر یک چنین راه رشد نیکت باوری، یعنی راه رشد سرمایه داری (که خود بخود وابسته با امریالیسم خواهد بود) بر کشور ما تحمیل شود، دیدگر سخن، اگر لیبرالها بتوانند یک چنین راه رشدی را بر کشور ما تحمیل کنند، انقلاب را به فترت خواهد رفت و سنخ و نایود خواهد گشت.

تاریخ ایران (و همچنین دیگر کشورها) نمونه های فراوانی از سنخ انقلاب بدست لیبرالها را بیاد دارد. انقلاب مشروطه را مردم انقلابی ضد استعمار و ضد فریب سرمایه داری افکار گسیخته ثورالیسم قیامی آغاز کردند و باور برینند، ولی پس از مدتی بتدریج اشراف و ثورالیهای لیبرال مواضع کلیدی حاکمیت در نظام مشروطه را بدست گرفتند و رژیم مشروطیت راه، که اصولاً میبایست ثورالیسم استبداد و استعمار را برین بن سازد، در دست خود قفسه نمودند، این لیبرالهای ثوروال و اشراف، برای رفاهی ایران از اسارت امریالیسم نه تنها قدسی برینداشته، بلکه راه را برای پیدایش استبداد منقور پهلوی بدست استعمار انگلیس باز کردند.

باز دیگر در دوران ملی شدن صنعت نفت - و این بار بورژوازی لیبرال ایران - گرچه در حکومت شرکت داشت، ولی از ترس انقلاب خلق، در برابر کودتای تنگین شاه - آمریکا سکوت کرد و بعضی سرکوب کودتایران، راه را برای سرکوب قیام خلق انقلابی ضد کودتای هواور کرد.

و اکنون... پس از سنخ آزادیهای تاریخی و در حالیکه یک هر بنده فتنه دمی از سیاست های سازشکارانه و تسلیم طلبانه لیبرالهای گذشت ایران موجود است، اگر مردم انقلابی و مستولان و نهادهای جمهوری اسلامی ایران هشیاری خود را از دست ندهند و در قاره عنکبوت امپریالیستی گرفتار شوند، خود آنها را نخواهد بخشید.

اینکه لیبرالها از همان نخستین ماههای پس از انقلاب زیر فشار انقلاب فریاد کشیدند که: همه سپاه، نه بار غفلت کردیم، اگر انقلاب کردیم، اینک بدون اطلاع امام خمینی به ملاقات برزیل سفر کردیم، اینک کوشیدند و میگویند ایران را با آمریکا «آشتی» دهند، اینک سرورهای زیادی درباره غیر ممکن بودن قلع نیاز ایران به تکنولوژی آمریکا و کشورهای امریالیستی دیگر برای ابداع و توسعه کوشش برای نگاهداری دستکامها و کارهای دوران طاووت و ادامه شیوه کشورهای بورژوازی که در زمان طاووت معمول بوده ایجاد بیگاری و نژاد و احتکار و گران و... مقاومت شدید در مقابل اجرای قانون اصلاحات ارضی بود. دهقانان مقاومت در برابر ملی کردن بازرگانی خارجی و توزیع عمده در داخل کشور، مقاومت علیه توسعه بخش دولتی، کوشش برای برنامهریزی مالکیت دولتی و مالکیت تعاونی - خلاصه، تمام آنچه که در زمینه حفظ سرمایه داری ایران بعمل می آید، مظاهر سیاستها، خواستها و نظرات بورژوازی لیبرال ایرانست.

جهت دیگر فعالیت لیبرالها عبارتست از کوشش برای برانگیختن ساختن آن راه رشد دیگری که خلق خواهان آنست، یعنی راه رشد خلقی، راه رشد بسود کوششگران.

از لحاظ اقتصادی، «ثوریسین های» لیبرال، خواه بصورت ترشحات مغز خود و خواه بصورت ترجمه از نشريات امریالیستی، همواره راه رشد غیر سرمایه داری و اصول اقتصادی جهان غیر سرمایه داری را زیر آتش قرار میدهند، چه افسانه ها که در این زمینه نمی یابند و چه «آمارها» و «اطلاعات» و مطالب «بسیار بسیار دقیق» که از خود چهل نمی کنند. آنها در وجود کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی، که تکیه کما مطن و متحد قابل اعتماد همه جنبشهای رها بخش خلقهای اسیر جهانند، یک دشمن موهوم برای ایران انقلابی می افزیند و واقعیت انسانی و انقلابی جهان سوسیالیسم را وارونه جلوه میدهند و تاریخ انقلابی گذشته را بسود امریالیسم و بورژوازی ایران تحریف می کنند.

بحث ما با لیبرالها، دعوی شخصی نیست، بلکه صحبت بر سر استقلال و آزادی و ترقی ایران، بر سر سزوش مردم و انقلاب ایرانست. در حالیکه برای همین مشاهده می کنیم که عده ای بازمی - کوشند دست و پای این انقلاب را هم به بندند و از پر تکانه ناکامی سرنگونی سازند، یعنی قوانین سبک نشینیم، ما با تکیه به شیوه اصولی و انقلابی خود، هرگز نمی توانیم بر بخروند شخصی و ذهنی، سیاست بورژوازی لیبرال ایران را افشا خواهیم کرد و چاه لیبرالیسم را نشان خواهیم داد، تا کسانی که صدقاتی دارند از افتادن در آن حذر کنند، و اگر هم اتانند، تقصیر عواقب آن بگردن خودشان باشد. مردم ایران تصمیم گرفته اند که این انقلاب حتماً به پیروزی قلمی و نهایی دست یابد.

مانور مشترک نظامی آمریکا و مصر توطئه ای دیگر علیه خلقهای منطقه

در پی گسترش هرچه پیش همکاری نظامی رژیم خائف مصر با امریالیسم آمریکا، دست پیشتران سپاه واکتس سریع آمریکا، برای مانور در سراسر مصر و آشنا شدن به نحوه جنگ در صحرای های غارومانه، وارد مصر شد. قرار است ۱۴۰۰ نفر از افراد سپاه واکتس سریع آمریکا تا ۱۴ روز در نواحی شمال شرقی مصر همراه با سربازان مصری یک رشته مانورهای مشترک انجام دهند.

انجام مانور از سوی سپاه واکتس سریع آمریکا در مصر، یعنی در نزدیکی کشورهای نفتخیز خاورمیانه، در بچوجه تجاوز خائنانه رژیم جنایتکار صدام حسین به ایران، تکرار خلقهای منطقه را برانگیخته است. بویژه آنکه این اقدام تحریک آمیز، در پی استقرار هواپیماهای آراکس در مرزبان سعودی صورت میگیرد.

فعالیتهای جاسوسی «انستیتیوی ژاپن» آمریکا در ونزوئلا مردم ونزوئلا شدیداً به فعالیت باصطلاح انستیتیوی آموزشگاه تابستانی زبان آمریکا در ونزوئلا اعتراض دارند. این آموزشگاه، که نقاب یک سازمان مذهبی و خیریه را بر چهره زده است، در واقع به جمع آوری اطلاعات درباره مناطق مختلف ونزوئلا، که از لحاظ مواد معدنی غنی است، مشغول است. سخنرانان در کفرانس بومیان در شهر توکویو، در شمال شرقی کشور، سخن اشاره به این حقایق روشن، نشان دادند که باصطلاح کارشناسان و زبان شناسان این موسسه به فعالیتهای جاسوسی اشتغال دارند. بومیان درخواست کرده اند که اعضای این موسسه بیدرتک از کشور اخراج شوند، جنبش دفاع از شرف ملی به دامتستان کل توسعه کرده است که فعالیتهای این باصطلاح موسسه را مورد بررسی کامل قرار دهد.

شمار بیکاران در انگلستان به سرعت افزایش می یابد. مجموع بیکاریهای گروهی از اقتصاددانان وابسته به دانشگاه کمبریج، سرعت سقوط اقتصاد انگلیس در پنجاه سال اخیر، بی سابقه بوده و اوضاع اسفناور اقتصادی این کشور در آینده نزدیک بهبود نخواهد یافت. انتظار مردم در سال جاری تولید ناخالص داخلی ۳۷ درصد نسبت به سال قبل کاهش یابد. این گروه از اقتصاددانان عقیده دارند شمار بیکاران انگلیس که در حال حاضر بیش از ۲ میلیون نفر است در سال آینده به دو میلیون و پانصد هزار نفر خواهد رسید و تا سه سال دیگر از مرز ۳ میلیون نفر خواهد گذشت. اتحادیه های کارگری انگلیس با این حال اعلام کرده اند که انتظار میرود که به سه سال دیگر بلکه در سال آینده شمار بیکاران به حدود ۳ میلیون تن بالغ شود. و تا سال ۱۹۸۳ این شمار از ۳ میلیون و سیصد و بیست خواهد بود.

نامه مرموز
زنگون مرکزی حزب توده ایران

مردم پاکستان از فعالیتهای خرابکارانه مزدوران افغانی ابراز انزجار می کنند

یک سنخوری دفتر آوارگان سازمان ملل در پاکستان قاضی کرد: میان باصطلاح آوارگان افغانی و ساکنان محلی دریایالت بلوچستان پاکستان زودخوردهای شدید و خونینی روی داده است. حضور ضد انقلابیون افغانی در نواحی مرزی پاکستان شرایط زندگی مردم محلی را که برائی سیاست خائنانه دارو دسته شیمالحق در فقر مطلق به سر میبرند، بیش از پیش وخیم کرده است. گزارشهای رسیده حاکمیت که مردم بلوچستان پاکستان و همچنین ساکنان ایالت سرحد شمال غربی پاکستان به وسیله چکمه پوشان شیمالحق مزدور میچور شده اند زمینهای قابل کشت و آب را به سرگردان شد انقلابیون افغانی سپارند. مردم بلوچستان پاکستان و ساکنان ایالت سرحد شمال غربی از فعالیتهای گزوه های فراری افغانی شدیداً ابراز انزجار می کنند.

NAMEH MARDOM
No. 370
13 November 1980

Prices:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مرموز و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مرموز متکلم شوند:

صندوق پستی ۴۶/۳۵۹ منطقه پستی تهران